

۲

فتشهای

آمو

چطور امپراتوری روپرت مرداک

جهان را از نو ساخت؟

جانا تان مالر
جیم روتنبرگ

GDJFCNTERPIRGLPRUWQHFDUTVXBJRCNBZ
WQHFDUTVXBJRCNBZARVPIRGLPRUWQHFDUALO
NFGTERVPIRGLPRUWQHFDERVPIRGLPRUWQHFD
XBJRCNBZARVPIRGLPRUWQHFXBJRCNBZARVPIR
GLPRRمالرXBJRCNBZARVPIRGLPRUWQHFDOTNF
GTERVPIRGLPRUWQHFDUTVXOTNFGTERVPIRGLP
RUWQHFDUTVXZARVPIRGLPRUWQHFDOTNFZARVP
IRGLPRUWQHFDOTNFNBZARVPIRGLPRUWQHFXBJR
CNBZARVPIRTERVPIRGLPRUWQHFDUTVXOTNFGT
ERVPIRGLPRUWQHFDUTVXZARVPIRGLPRUWQHFD
OTNFZARVPIRGLPRUWQHFDOTNFNBZARVPIRGLPR
UWQHFXBJRCNBZARVPIRGLPRUWQHFDOTNFZARVP
WQHFDUTVXBJRCNBZARVPIRGLPRUWQHFDOTNFZARVP



دفت‌های آسو ۲

چطور امپراتوریِ روپرت مرداک
جهان را از نو ساخت؟

دفترهای آسو ۲

چطور امپراتوریِ روپرت مرداک

جهان را از نو ساخت؟

جاناتان مالر

جیم روتنبرگ

برگردان: معصومه ناصری



نشر آسو

www.aasoo.org

عنوان فارسی: **چطور امپراتوری روبرت مرداک جهان را از نو ساخت؟**

جانانان مالر، جیم روتنبرگ

برگردان: معصومه ناصری

عنوان انگلیسی:

How Rupert Murdoch's Empire of Influence Remade the World

طراحی جلد: کیوان مهجور

چاپ نخست، آذر ۱۳۹۸ (نوامبر ۲۰۱۹)

لس آنجلس

۱۰۳ صفحه

Email: editor@aasoo.org

نمایه: نیویورک تایمز، تاریخ جهان، روزنامه‌نگاری، روبرت مرداک، فاکس‌نیوز

حق چاپ و نشر الکترونیکی و کاغذی کتاب محفوظ است.

استفاده تجاری از این اثر ممنوع است.

بازنشر مقالات یا بخشی از آنها با ذکر مأخذ آزاد است.

فهرست

فصل اول / نفوذ جهانی

- ۱- «من همه‌ی فرزندانم را دوست دارم» / ۹
- ۲- «هیچ وقت از هیچ نخست‌وزیری چیزی نخواسته‌ام» / ۱۵
- ۳- «دیکتاتوری رسانه‌ای» / ۲۰
- ۴- یک محصول و بنیانگذار فرهمندش / ۲۶
- ۵- «این کارها از هیچ دل‌کی بر نمی‌آید» / ۳۴
- ۶- روز استقلال: رستاخیز / ۴۱
- ۷- «کار دوران بازنشستگی من» / ۴۷

فصل دوم / اختلاف‌های درونی

- ۸- بالاترین استاندارد در اداره‌ی شرکت / ۵۳
- ۹- رفقای استرالیایی ترامپ / ۵۷
- ۱۰- تو اکشن دوست داری مگر نه؟ / ۶۰
- ۱۱- مردم به تو اعتماد ندارند / ۶۴
- ۱۲- ولاکلان؟ / ۶۸
- ۱۳- تو دیگر چنین پسری نخواهی داشت / ۷۳

فصل سوم / اسلحه‌ی تازه‌ی فاکس

- ۱۴- خبرت می‌کنم / ۷۹
- ۱۵- «معامله‌ای که برای کشور خوب نیست» / ۸۲
- ۱۶- «فکر می‌کنید ملکوم جان سالم به در می‌برد؟» / ۸۶
- ۱۷- «نه من شرمنده نیستم» / ۹۱
- ۱۸- «من نمی‌توانم بروم» / ۹۶
- ۱۹- به نظرم بهتر از این نمی‌شود / ۹۹

چطور امپراتوریِ روپرت مرداک جهان را از نو ساخت؟

جاناتان مالر، جیم روتنبرگ^۱
برگردان: معصومه ناصری

۱. جاناتان مالر نویسنده‌ی «مجله‌ی نیویورک تایمز» است. جیم روتنبرگ روزنامه‌نگار حوزه‌ی رسانه در «نیویورک تایمز» است. آنچه می‌خوانید برگردان این نوشته‌ی آنها با عنوان اصلی زیر است:

Jonathan Mahler and Jim Rutenberg, 'How Rupert Murdoch's Empire of Influence Remade the World', *The New York Times Magazine*, 3 April 2019.

فصل اول

نفوذ جهانی

۱- «من همه‌ی فرزندانم را دوست دارم»

روپرت مرداک کف کابینش افتاده بود و نمی‌توانست تکان بخورد. ژانویه‌ی ۲۰۱۸ بود و مرداک و همسر چهارمش، جری هال، برای تعطیلات آخر سال، با کشتی تفریحی پسر بزرگش لاکلان در حال گردش در کارائیب بودند. لاکلان خودش بر طراحی این کشتی تفریحی ۱۴۰ فوتی نظارت کرده بود. نامش را هم به خاطر نیزه‌ی بلند و خطرناکی که ارتش مقدونیه در دوران باستان استفاده می‌کرد «ساریسا» گذاشته بود. کشتی‌ای که هم مناسب تعطیلات خانوادگی بود و هم می‌توانست در مسابقات کشتی‌های تفریحی رقابت کند. کابین کاپیتانش هم می‌توانست به استخر تبدیل شود. سقف کابین ویژه‌ی کودکان در این کشتی شبیه آسمان شب می‌شد که کلیدهای جداگانه‌ای برای نیم‌کره‌ی جنوبی و نیم‌کره‌ی شمالی داشت. یک تخته‌ی بزرگ متحرک هم برای تمرین صخره‌نوردی داشت که لاکلان به آن علاقه‌مند بود و حتی می‌شد آن را روی عرشه کشتی هم نصب کرد. اما اینجا فضای مناسبی برای مذاکرات یک پیرمرد ۸۶ ساله نبود. مرداک نیمه‌شب، سر راه توالت در

کابینش، سکندری خورد و به زمین افتاد. این اولین باری نبود که مرداک زمین می خورد. یک بار در مراسمی وقتی داشت صحنه را ترک می کرد روی پله ها زمین خورده بود و بار دیگر روی فرش هتلی در سن فرانسیسکو. در هر دو مورد خانواده اش نگذاشته بودند که کلمه ای به بیرون درز کند اما این اتفاق ها به هر حال نگران کننده بود و این یکی به نظر خیلی خیلی جدی تر می آمد.

مرداک را از روی کشتی تفریحی ساریسا با برانکارد بیرون بردند و با هواپیما به بیمارستانی در لس آنجلس منتقل کردند. پزشکان خیلی سریع تشخیص دادند که هم مهره هایش شکسته و نیاز به جراحی فوری دارد و هم نوعی خون مردگی در ستون فقراتش هست که می تواند فلج کننده باشد یا حتی به مرگ بینجامد. جری هال، وحشت زده با فرزندان مرداک تماس گرفت و از آنها خواست به کالیفرنیا بیایند و کنار پدرشان باشند و برایش دعا کنند. در میان شخصیت های غیرسیاسی، تاکنون عده ای کمی به اندازه ای این مردی که در انتظار رسیدن فرزندانش روی تخت بیمارستان خوابیده بود، در کانون مسائل بین المللی قرار داشته اند. مرداک به عنوان رئیس بزرگ، یک امپراتوری رسانه ای پهناور جهانی، چندین شبکه ی تلویزیونی، یک سرویس خبری جهانی، یک مؤسسه ی انتشاراتی عظیم و یک استودیوی سینمایی هالیوود را فرماندهی می کرد. روزنامه ها و شبکه های تلویزیونی او عامل مهمی در تقویت خیزش های ملی گرایان در سراسر جهان بوده اند، خیزش هایی که شکل قدرت را نه تنها در آمریکا که در سراسر جهان از نو تغییر داده اند. در آن زمان فاکس نیوز، شبکه ی خبری-تحلیلی ۲۴ ساعته مرداک، با حضور دونالد ترامپ و طرفدارانش جان گرفته بود و مرداک در بزرگ ترین دموکراسی جهان، نفوذ بی سابقه ای یافته بود. در بریتانیا، «سان»، هفته نامه ی مصوری که در لندن منتشر می شود، به تازگی رهبری نبرد تاریخی برگزیت را در دست گرفته بود تا این کشور را از اتحادیه ی اروپا خارج کند. بحرانی که در پی این تنش ایجاد شد، ترزا می را به شماره ی ۱۰ داوینگ استریت

یعنی دفتر نخست‌وزیری بریتانیا وارد کرد. در استرالیا جایی که قدرت مرداک بیش از هر جایی بی‌رقیب مانده است، رسانه‌های او پیش‌تاز کارزاری رسانه‌ای برای لغو مالیات سوخت‌های کربنی بودند، آن هم در اولین کشوری که چنین مالیاتی را تصویب کرده بود. این رسانه‌ها همچنین باعث کنار رفتن چند نخست‌وزیری شدند که برنامه‌هایشان با خواسته‌های مرداک تناسب نداشت. مرداک روزی که زمین خورد، در وسط بزرگ‌ترین معامله‌ی زندگی‌اش بود: او تنها چند هفته قبل از وقوع این اتفاق در کشتی تفریحی پسرش لاکلان، با روبرت آیگر، مدیرعامل کمپانی والت دیزنی روی بام ساختمانی در لندن، توافق اولیه‌ای را نهایی کرد که بر اساس آن، قرار بود استودیوی فیلم و تلویزیونش یعنی استودیوی فاکس قرن بیست و یکم را به قیمت ۵۲ میلیارد و چهارصد میلیون دلار به دیزنی بفروشد. اما ناگهان سرنوشت کنترل این امپراتوری گسترده به حالت تعلیق درآمده بود.



خانواده‌ی مرداک، سال ۱۹۷۳: لاکلان، روبرت، الیزابت، آنا، جیمز
عکس دیوید گراوس/رکس، از شاتراستوک

هر کدام از چهار فرزند روپرت مرداک به شیوه‌ای متفاوت، مدعی تاج و تخت او بودند. پروندس ۶۱ ساله، تنها فرزند مرداک از ازدواج اولش با پاتریشیا بوکر، یک مدل استرالیایی (که سال ۱۹۷۵ از او طلاق گرفت)، در سیدنی و لندن زندگی می‌کند و از کسب و کار خانوادگی فاصله می‌گیرد. اما سه فرزند دیگر مرداک از ازدواج دومش با آنا مان (که سال ۱۹۹۹ از او جدا شد) دست‌کم بخشی از زندگی خود را برای کسب جانشینی پدرشان صرف کرده‌اند.

الیزابت (۵۰ ساله)، لاکلان (۴۷ ساله) و جیمز (۴۶ ساله) همه در همین دنیای تجارت، بزرگ شده‌اند. در کودکی‌شان دور میز صبحانه‌ی خانوادگی در خانه‌ی خیابان پنجم نیویورک می‌نشستند و به سخنرانی‌های پدرشان درباره روزنامه‌های صبح‌گوش می‌دادند؛ این‌که گزارش‌ها چطور انتخاب شده و چطور صفحه‌بندی شده بودند یا این‌که چند صفحه از روزنامه، به آگهی تجاری اختصاص یافته بود. همه‌ی آنها روزی را تصور می‌کردند که صاحب این کمپانی در حال رشد خواهند شد. به قول دوستان مرداک، او بچه بزرگ نکرد بلکه غول‌های رسانه‌ای آینده را بزرگ کرد. همین موضوع عامل اصلی آشفتگی خانواده‌ای بود که پر از رقابت‌های بلندپروازانه و جبهه‌بندی‌های همیشه متغیر بود.

مسئول اصلی این آشفتگی هم خود مرداک بود. او مدت‌ها از انتخاب یکی از فرزندان‌ش به عنوان جانشین اصلی خود پرهیز می‌کرد. اعلام جانشین، هم به افزایش تنش در خانواده می‌انجامید و هم به معنای پذیرفتن این موضوع بود که خود او بالاخره خواهد مرد.

مرداک در عوض سعی کرد که تنش‌ها را مدیریت کند و حتی با فرزندان‌ش و همسران‌شان از مشاوره در لندن کمک گرفت که تخصصش کار با خانواده‌های سلطنتی بود و همگی با هم در یک برنامه‌ی روان‌درمانی گروهی شرکت کردند. حتی خود او یک دوره‌ی روان‌درمانی را در استرالیا

گذرانند. اما همین جلسات هم به میدانی تازه برای بازی قدرت تبدیل شد.

نقش لاکلان و جیمز در طول این سال‌ها، چند بار به عنوان وارث مسلم یا پسر وامانده از قدرت تغییر کرده است. نزدیکان به این خانواده تردیدی ندارند که لاکلان فرزند محبوب‌تر مرداک است. (اما وقتی افراد نزدیک، به این نکته و محبوبیت آشکار لاکلان اشاره می‌کنند مرداک می‌گوید «اما من همه‌ی بچه‌هایم را دوست دارم.»)

با این حال، این پسر کوچک‌ترش جیمز بود که در اوایل قرن بیست و یکم، برای تغییر موقعیت شرکت در آینده‌ی دیجیتالی که بازار را در سراسر جهان تکان می‌داد، وقت گذاشته بود. زمانی که جیمز برای گسترش خدمات آنلاین، از جمله افزایش پهنای باند و فناوری پخش زنده تلاش می‌کرد، برادر بزرگ‌ترش با دلخوری از پدرش جدا شده بود و در استرالیا کار و کاسبی و تجارت خودش را دنبال می‌کرد.

وقتی لاکلان بالاخره در سال ۲۰۱۵ پذیرفت که به آمریکا برگردد، مرداک هر دوی آنها را در مقام‌های ارشدی منصوب کرد که همه‌ی بخش‌های شرکت هم‌زمان باید به هر دوی آنها گزارش می‌دادند. این برنامه‌ریزی عجیب بود، نه تنها به این دلیل که هر دوی آنها به طور مشترک مدیر امپراتوری بودند بلکه به این خاطر که جیمز و لاکلان آدم‌هایی متفاوت با سیاست‌گذاری‌های متفاوت بودند و شرکت را به دو سمت متفاوت می‌بردند.

جیمز امپراتوری را به سمت برندی جهانی با تربیون‌های خبری و سرگرمی می‌برد که مخاطبان‌ش شرکت‌کنندگان در اجلاس داووس یا خواننده‌های «اکونومیست» بودند و از آن سو، لاکلان امپراتوری را به سمت یک دستگاه غول‌آسای پروپاگاندای سیاسی سودآور می‌برد که سیاستی دست‌راستی و ملی‌گرا را دنبال می‌کرد. هر چند به نظر می‌رسید که دوران این رویکرد سیاسی سپری شده است اما در این سال‌ها دوباره در حال رشد بود.



خانواده‌ی مرداک، ۱۹۸۷: لاکلان، جیمز، آنا و روپرت
عکس از رون گالیل/وایر ایمیج از طریق گتی ایمجز

اداره‌ی قدرتمندترین امپراتوری رسانه‌ای جهان، تنها به یکی از فرزندان مرداک می‌رسید اما تک‌تک آنها در جهت‌دهی این آینده سهمی برابر داشتند. مرداک ساختار هر دو کمپانی‌اش یعنی استودیوی فاکس قرن بیستم و «نیوز کورپ» را به‌گونه‌ای بازسازی کرد که تراست خانواده‌ی مرداک، کنترل آن را در دست داشته باشد. او چهار رأی این تراست را برای خودش نگه داشت و به هر کدام از فرزندان‌ش هم یک حق رأی داد. به این ترتیب، او در هیچ رأی‌گیری‌ای بازنده نمی‌شد. مرداک این شرط را هم گذاشت که پس از مرگش، حق رأی‌هایش از بین می‌رود و همه‌ی قدرت تصمیم‌گیری به طور مساوی میان چهار فرزندش تقسیم خواهد شد. این بدان معناست که مرگ او می‌تواند چنان چالش قدرتی

را به وجود آورد که هر آن‌چه خانواده‌اش در طول این سال‌ها ساخته، تضعیف شود و درعین حال فضای سیاسی جهان انگلیسی‌زبان هم نظم و ترتیب تازه‌ای پیدا کند. آن شب وقتی بچه‌ها با عجله به بالین پدرشان در لس آنجلس می‌رفتند به نظر می‌رسید که سرانجام آن لحظه‌ی موعود فرارسیده است.

۲- «هیچ وقت از هیچ نخست‌وزیری چیزی نخواستهم»

تاریخ نشان می‌دهد که قدرت رسانه به تدریج و در گذر چند نسل به دست می‌آید و یکی از دلایل این که کنترل رسانه‌ها معمولاً در یک خاندان می‌ماند همین است.

خانواده‌ی گراهام، پیش از آن که «واشنگتن پست» را به جف بزوس، بنیان‌گذار آمازون بفروشند، ۸۰ سال صاحب این روزنامه بودند. ویلیام هرتز سوم، هنوز که هنوز است بنگاه هرتز را مدیریت می‌کند که بنیانش را پدر پدرزگش گذاشته است. او معدن‌داری بود که بعدها سناتور شد.

خانواده‌ی آرتور سالزبرگر بیش از یک قرن است که روزنامه‌ی «نیویورک تایمز» را در اختیار دارند. امپراتوری مرداک در مقایسه با اینها جوان‌تر است اما به سختی می‌توان قدرتمندتر از خاندان رسانه‌ای مرداک، امپراتوری دیگری در میان رسانه‌ها یافت.

چند سال پیش به نظر می‌رسید که موج پوپولیسم دست‌راستی، پدیده‌ی فرهنگی زودگذری باشد اما اکنون به جنبش سیاسی مهم این دوران تبدیل شده و نظم جهانی پنجاه سال اخیر را به هم ریخته است. این امپراتوری مرداک نبود که سبب شکل‌گیری این موج شد اما او بیش از هر شرکت رسانه‌ای دیگری، به تقویت و ترویج این موج پرداخته و از آن سود برده است. رسانه‌های این خاندان در سراسر جهان انگلیسی‌زبان، به خیزش پوپولیست‌های حاشیه‌نشین و ملی‌گرای قومی کمک

کرده و اساس مفهوم حقیقت را سیاسی کرده‌اند. نتیجه‌ی این کار بسیار چشمگیر است. شاید بی‌ثبات کردن دموکراسی‌های سراسر جهان، مأموریت این خانواده نباشد اما مهم‌ترین میراث آنهاست.



روپرت مرداک در نیویورک سال ۱۹۷۷
عکس آرنولد نیومن/گتی ایمیجز

ما در شش ماه گذشته با بیش از ۱۵۰ نفر در سه قاره درباره‌ی مرداک‌ها و امپراتوری‌شان صحبت کرده‌ایم. بعضی از آنها این خانواده را از نزدیک می‌شناسند، بعضی برای رسیدن آنها به اهدافشان به آنها کمک کرده‌اند، بعضی با آنها جنگیده‌اند و موفقیت‌هایی هم به دست آورده‌اند. (اغلب آنها اصرار داشتند که جزئیات شخصی درباره‌ی این خانواده و کسب و کارشان را به صورت ناشناس در اختیار ما بگذارند تا هدف تلافی‌جویی قرار نگیرند.)

رسانه‌ها اغلب زیاد به یکدیگر توجه می‌کنند. فاکس نیوز تقریباً به اندازه‌ی کاخ سفید موضوع خبر رسانه‌های دیگر است. در حوزه‌ی تولیدات فرهنگی هم خود مرداک‌ها همیشه سوژه‌ی محبوبی بوده‌اند. به زودی نمایش‌نامه‌ای با عنوان «اینک» در برادوی به روی صحنه می‌رود که درباره‌ی ظهور مرداک است. شرکت «اچ‌پی‌او» هم در تابستان امسال، فصل دوم مجموعه‌ی تلویزیونی «جانشین» را پخش خواهد کرد که داستان خانواده‌ی «روی» است، یک خانواده‌ی رسانه‌ای که شباهت غربی به به مرداک‌ها دارد.

اما آن‌چه که ما خبرنگارها تا امروز به راستی دریافته بودیم همسانی این دو داستان است. یکی ماجراهای یک موج راست‌گرا و مخالف آزادی است که جهان را درمی‌نوردد و دیگری داستان یک خاندان رسانه‌ای است. اگر فاکس نیوز را فقط بازوی ترامپ در کاخ سفید بدانیم تصویر بزرگ‌تر را نادیده گرفته‌ایم. اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، کاخ سفید هم مثل دفتر نخست‌وزیری بریتانیا و دفتر نخست‌وزیری استرالیا، ابزارهایی هستند که این خانواده، در کنار بسیاری از ابزارهای دیگر برای گسترش نفوذشان بر تحولات جهان از آنها استفاده می‌کنند.

مرداک‌ها چه می‌خواهند؟ هم روابط این خانواده پیچیده است و هم عوامل مختلفی، یک خاندان رسانه‌ای را شکل می‌دهند. ضرورت مشغول بودن به کسب و کاری روزمره یکی از این عوامل است، علاقه به دست به دست کردن ثروت یا روحیه‌ی قدیمی عمل به وظیفه‌ی شهروندی هم عواملی هستند که به شکل‌گیری یک خاندان رسانه‌ای می‌انجامند. اما عملکرد جهانی مرداک‌ها نشان می‌دهد که بنیان‌گذاران یک امپراتوری و گسترش قلمروی آن عامل شکل‌گیری این خاندان بوده است.

مرداک کارش را با یک نشریه‌ی محلی کوچک در استرالیا شروع کرد که از پدرش به او ارث رسیده بود. او خیلی زود کارش را در سطح ملی و بین‌المللی گسترش داد. چگونه؟ اغلب با استفاده‌ی بی‌محابا از رسانه‌ی

خود برای به قدرت رساندن نامزدهای مورد علاقه‌اش و بعد استفاده از نفوذ همین سیاستمداران برای گسترش سیطره‌اش. امپراتوری خبری مرداک تجسم چند دهه بده‌بستان با مقام‌های انتخابی است. مرداک گفته است «من هرگز از هیچ نخست‌وزیری چیزی نخواسته‌ام» اما لازم نیست که صاحبان رسانه، مستقیماً چیزی بخواهند، خواسته‌های آنها را رسانه‌هایشان پخش و منتشر می‌کنند. سیاستمداران، هم می‌دانند که مرداک چه می‌خواهد و هم می‌دانند که مرداک چه می‌تواند به آنها بدهد: جایگاه و رأی مردم، به علاوه قدرت. حرکت مرداک به سوی بنای امپراتوری‌اش، در عصر ترامپ به اوج رسید. او سال‌ها، در رؤیای رابطه‌ی نزدیک با یکی از رؤسای جمهوری آمریکا به سر می‌برد. در ظاهر او و ترامپ اشتراکات اندکی دارند: یکی جهان‌وطنی است که در نقاط زیادی از جهان خانه دارد، کرم کتاب است و دست‌کم مقداری هم خودآگاهی دارد.

سال پیش عکسی از مرداک گرفته شد که او را مشغول خواندن کتاب «آرمان‌شهر واقع‌گرایان» نشان می‌دهد. (نویسنده‌ی این کتاب روتر برگمن، مورخ هلندی است که بعداً در یک مصاحبه به تاکر کارلسون، مجری فاکس‌نیوز گفت تو میلیونری هستی که میلیاردرها ازت حمایت مالی می‌کنند.)

آن دیگری یعنی ترامپ، یک آمریکایی زمخت است که با افتخار برای تعطیلات به باشگاه محلی خودش می‌رود، فست‌فود می‌خورد و زمان زیادی را صرف تماشای تلویزیون می‌کند.

اما هر دوی آنها فرزندان مردانی هستند که مشتاقانه در پی ایجاد امپراتوری خود بودند. خاندان هر دوی آنها ارزش‌های بنیادین مشترکی دارند که یکی از آنها رشد و توسعه از راه گسترش قلمرو است و برای دستیابی به این هدف، شیوه‌های مشابهی را به کار گرفته‌اند و برای رسیدن به قدرت و اعمال نفوذ از روابط سیاسی‌شان بهره برده‌اند.

این روابط سیاسی به ترامپ کمک کرد که از معافیت‌ها و تخفیف‌های مالیاتی بهره‌بردار و معاملات جهانی‌اش را در امان نگه‌دارد و به مرداک اجازه داد که قوانین ضدانحصار و مقررات مالکیت خارجی را دور بزند. مرداک در طول شش دهه تصویر خودش را به عنوان فردی عمل‌گرا در حوزه‌ی رسانه تثبیت کرده که هر وقت به نفعش باشد از حکومت‌های لیبرال حمایت می‌کند. با این حال، رسانه‌های مختلف او به صورت بی‌وقفه، تاریخ را در سراسر جهان انگلیسی‌زبان به سمت راست سیاست سوق داده‌اند. چه آن زمان که در سال ۲۰۰۳ ایالات متحده و متحدانش را برای جنگ با عراق تشویق می‌کردند، چه آن زمان که تلاش‌های جهانی برای مبارزه با تغییرات اقلیمی را تضعیف می‌کردند، چه آن زمانی که رنگین‌پوست‌های داخلی و خارجی را تهدید خطرناکی علیه اکثریت سفیدپوست جلوه می‌دادند.

به‌رغم رشد سریع امپراتوری مرداک و درنوردیدن اقیانوس‌ها، کشورها و رسانه‌ها، او همیشه امپراتوری‌اش را نوعی تجارت خانوادگی نگه‌داشته است. اساس جهان‌بینی او این بوده که حکومت، دشمن رسانه‌ی مستقل است اما الگوی تجارتي او به شکلی متناقض به مداخله‌ی حکومت برای پیشبرد منافع رسانه و تضعیف رقبایش وابسته است.

خاندان مرداک هرگز میان سیاست، پول و قدرت مرزی قائل نبودند. از نظر آنها، این هر سه ابزاری برای گسترش امپراتوری‌شان بود.

محال است که امپراتوری‌ای به گستردگی امپراتوری مرداک فرهنگ یا ایدئولوژی ثابتی داشته باشد. او کاسبی است که می‌خواهد مشتری‌هایش را راضی نگه‌دارد. شرکت‌های سرگرم‌سازی، شبکه‌های ورزشی و رسانه‌های چاپی و آنلاین بخشی از دارایی‌های او هستند. مرداک مظهر همین تناقض‌هاست. او مهاجری است که به آتش ملی‌گرایی دامن می‌زند، میلیاردری که قهرمان پوپولیست‌هاست و پدری که نه تنها خانواده‌اش را از کارش جدا نکرده که در واقع هر دو را عمداً به هم گره زده است.

بیشتر سلسله‌ها به این دلیل به تدریج از هم می‌پاشند که قدرت تصمیم‌گیری در آنها، میان افراد مختلف و نسل‌هایی با رفتار و رویکرد متفاوت نسبت به خود و جهان تقسیم می‌شود. مرداک که خودش سال ۲۰۰۷ «وال استریت ژورنال» را با دامن زدن به تفرقه میان خانواده‌ی مالک صد ساله آن، بنکرافت، خرید، بهتر از هر کسی این را می‌داند. او فکر می‌کند که با حفظ سهام تعیین‌کننده در امپراتوری‌اش از چنین سرنوشتی مصون مانده و کسی نمی‌تواند امپراتوری‌اش را از او بگیرد. اما چالش اصلی، حفظ خود امپراتوری است.

۳- «دیکتاتوری رسانه‌ای»

برای درک سازوکار امپراتوری مرداک، لازم است به آغاز آن برگردیم. به روزی که در سال ۱۹۳۱ روپرت مرداک به دنیا آمد. در آن زمان پدرش کیث مرداک در استرالیا درگیر اولین کارزار انتخاباتی‌اش بود تا از تحریریه‌ی روزنامه‌اش، نخست‌وزیر این کشور را انتخاب کند. کیث به عنوان یک روزنامه‌نگار جوان، زمانی شهرت یافت که با دور زدن سانسورهای ارتش درباره‌ی کشتار هم‌وطنانش در نبرد گالیپولی گزارش منتشر می‌کرد. نبردی که در جنگ جهانی اول به رهبری بریتانیا در جریان بود. کیث مرداک با بهره‌گیری از این شهرت، مدیر نشریه‌ی «ملبورن هرالد» و شرکت خبری «ویکلی تایمز» شد و از این موقعیت برای مجازات دشمنان و امتیاز دادن به متحدانش استفاده کرد. بنا به نوشته‌ی تام رابرتز، مورخی که در سال ۲۰۱۵ زندگی‌نامه‌ی پدر مرداک را با عنوان «پیش از روپرت»، منتشر کرده، جوزف لاینز، سیاستمداری که کیث از نامزدی‌اش برای نخست‌وزیری حمایت می‌کرد، پیشتر به او کمک کرده بود که برای راه‌اندازی یک ایستگاه رادیویی در شرکتش در آدلاید مقررات را دور بزند: «لاینز این انتخابات را برد و کیث می‌دید که رهبر جدید استرالیا مطابق میل او عمل می‌کند.» گزارش شده است که

بعدها که بین این دو نفر اختلاف افتاد کیث گفت، «این شغل را من به او دادم و خودم هم کنارش می گذارم.»



روپرت مرداک در سال ۱۹۶۱
عکس از آبری هارت/گتی ایمجز

در دوره‌ای که کیث اولین شبکه‌ی خبری زنجیره‌ای ملی را در استرالیا راه‌اندازی می‌کرد، یک روزنامه‌ی استرالیایی در سرمقاله‌اش نسبت به خطر جاه‌طلبی‌های او هشدار داد. آن طور که تام رابرتز در کتابش می‌گوید، در این مطلب آمده بود: «این یک دیکتاتوری رسانه‌ای برای سراسر استرالیا است که هم رهبرانش از مرداک الهام گرفته‌اند و هم خبرنگارانش دست‌آموز مرداک هستند.» منافع اقتصادی کیث از نظر

ایدئولوژیک فقط به این گره نخورده بود که قدرت چطور باید عمل کند بلکه با این موضوع هم آمیخته بود که اساساً چه کسانی اجازه دارند به قدرت برسند. او عضو انجمن بهسازی نژادی ایالت ویکتوریای استرالیا هم بود و یک بار در سرمقاله‌اش نوشت که بزرگ‌ترین پرسش پیش روی بریتانیا این است که آیا حاضر است که «در صورت لزوم به خاطر یک استرالیای سفید بجنگد؟»

کیث اما امپراتوری رسانه‌ای نساخت. او صاحب دو روزنامه‌ی منطقه‌ای بود که بعد از مرگ ناگهانی‌اش در سال ۱۹۵۲ برای پرداخت هزینه‌های کفن و دفنش فروخته شدند. با این حساب برای پسر ۲۱ ساله‌اش که به تازگی تحصیلاتش را در دانشگاه آکسفورد به پایان رسانده بود تنها نشریه‌ی «نیوز آف آدلاید» با ۷۵ هزار تیراژ به جا ماند. اما روپرت چیز ارزشمندتری از پدرش به ارث برده بود: یک دوره‌ی آموزشی پیشرفته درباره‌ی این که چطور از دارایی رسانه‌ای خود برای کسب منفعت از طریق سیاستمدارها استفاده کنیم. اولین اقدام تجاری مرداک، تأسیس یک امپراتوری تمام‌عیار با مالکیت خودش در استرالیا بود. او بعد از خرید دو روزنامه‌ی محلی، اولین روزنامه‌ی سراسری را در این کشور با نام «آستریلین» راه اندازی کرد. این روزنامه ابزاری قدرتمند برای انتخاب سیاستمدارانی شد که کمی بعد محدودیت‌های قانونی مربوط به اندازه‌ی شرکت‌های رسانه‌ای را کاهش دادند.

او به تدریج کنترل حدود دو سوم بازار روزنامه‌های ملی استرالیا را در دست گرفت. مرداک با آغاز ایجاد امپراتوری رسانه‌ای خود در استرالیا به بریتانیا و خیابان معروف «فلیت» کوچ کرد و از تازه‌ترین دارایی رسانه‌ی خود یعنی روزنامه «نیوز آف د ورلد» و هفته‌نامه‌ی «سان» برای تبلیغ نامزدی مارگارت تاچر در مقام نخست‌وزیری استفاده کرد. دولت تاچر به محض انتخاب، در ازای این لطف مرداک، پرونده‌ی روزنامه‌ی

«تایمز» لندن را به سازمان مقابله با انحصار ارجاع نداد و او را به صاحب پرتیراژترین روزنامه و هفته‌نامه‌ی عامه‌پسند کشور تبدیل کرد. گام بعدی، تلویزیون بود. بعد از آن که مرداک مناقصه‌ی دریافت مجوز تنها پخش ماهواره‌ای دولت بریتانیا را از دست داد، تاجر بار دیگر به کمکش آمد. مرداک تلویزیون خبری «اسکای» را به عنوان رقیب بی‌بی‌سی راه انداخت تا از لوکزامبورگ برای بریتانیا برنامه پخش کند و دولت هم به روی این کار چشم بست.

هر چه امپراتوری مرداک بزرگ‌تر می‌شد قدرت بیشتری برای از سر راه برداشتن موانع به دست می‌آورد. قدرت تأثیرگذاری او به واقعیت آزاردهنده‌ای در جهان سیاست بریتانیا تبدیل شد، واقعیتی که خود مرداک عملاً در تیتیری با عنوان «سان برنده شد» به آن اذعان کرد. این تیتیر صفحه‌ی اول نشریه‌ی «سان» بود که در سال ۱۹۹۲ و با تخریب بی‌رحمانه‌ی نیل کیناک، به پیروزی جان میجر در انتخابات نخست وزیری بریتانیا کمک کرد. (سان در آن زمان یک مجموعه‌ی ۹ صفحه‌ای با عنوان «کابوس در خیابان کیناک» منتشر کرد و در آن از جمله یک نامه‌ی هزل‌آمیز با امضای روح یوزف استالین منتشر کرد که در آن استالین از نیل کینک و نامزدی‌اش حمایت کرده بود.) مرداک هر گاه به نفعش بوده حزبش را هم عوض کرده است. در دهه‌ی ۱۹۹۰ او حامی جنبش نوین بریتانیا شد. محافظه‌کاران بریتانیا در آن سال مقرراتی را پیشنهاد کرده بودند که در صورت تصویب، مرداک مجبور می‌شد برای توسعه‌ی تلویزیونش، فعالیت روزنامه‌هایش را کاهش دهد.

مرداک همین راهبرد را در ایالات متحده هم به کار گرفت. او در سال ۱۹۸۰ با روی کوهن، مشاور سابق سناتور جوزف مک‌کارتی و مرشد ترامپ، دیدار کرد و از طریق او به حلقه‌ی نزدیکان رونالد ریگان، فرماندار وقت کالیفرنیا معرفی شد. در این حلقه، راجر استون جونیور یکی دیگر از معتمدان ترامپ هم حضور داشت که مدیر فعالیت‌های انتخاباتی ریگان در نیویورک بود.

راجر استون بعدها در مصاحبه‌ای گفت که از جانب ریگان به مرداک کمک کرده تا «نیویورک پست» را برای کمک به پیروزی ریگان در انتخابات ۱۹۸۰ بخرد. تیم ریگان برد ایالت نیویورک را در انتخابات آن سال مدیون مرداک می‌دانست. مرداک یک ورق قاب شده از «نیویورک پست» را در ضیافت شامی به مناسبت پیروزی ریگان، در «کلاب ۲۱» به راجر استون هدیه داد و دولت ریگان هم مقدمات ورود او را به بازار تلویزیون آمریکا فراهم کرد. خیلی زود درخواست شهروندی او را هم پذیرفتند و مرداک توانست چند ایستگاه تلویزیونی بخرد. دولت ریگان بعدها با مستثنی کردن مرداک از قانونی که اجازه نمی‌داد افراد در یک بازار، هم‌زمان مالک ایستگاه تلویزیونی و صاحب روزنامه باشند، این امکان را برای او فراهم کرد که هم «نیویورک پست» و «بوستون هرالد» را نگه دارد و هم ایستگاه تلویزیونی‌اش را در هر دو شهر راه بیندازد.

دولت جورج بوش پدر هم مقرراتی را تعلیق کرد که اجازه نمی‌داد شبکه‌های تلویزیونی از مالکیت برنامه‌های پرترفدار منتفع بشوند. این تغییر در قانون، دست مرداک را باز گذاشت تا جدول پخش شبکه‌ی تلویزیونی‌اش را از برنامه‌هایی که استودیوی خودش یعنی استودیوی فاکس قرن بیستم تهیه می‌کرد، پر کند. «سیمپسون‌ها» و «شماره‌ی ۲۱ جامپ استریت» از جمله این برنامه‌های پرترفدار بودند که او با نمایش‌شان صاحب چهارمین شبکه‌ی ملی پرترفدار آمریکا شد. مرداک هم‌زمان از پخش دوباره‌ی تولیدات استودیوی فاکس قرن بیستم، از جمله M*A*S*H و L.A. Law، سود چشمگیری به جیب می‌زد.

مرداک شاید بیش از هر غول رسانه‌ای در عصر خودش از تغییر و تحولات سریع این صنعت در اواخر قرن بیستم بهره برد. (این درس دیگری بود که از پدرش کیت آموخته بود. پدرش از اولین کسانی بود که از رادیو و فیلم‌های خبری استفاده کرد.) موتور محرک این تغییرات، فناوری بود و حالا می‌توانست محتوای دلخواهش را هر اندازه که

می‌خواست به سرعت به سراسر جهان مخابره کند. علاوه بر پیشرفت فناوری، تغییر مقررات هم به کمک مرداک آمد. به طور مشخص رفع نظارت دولتی از فعالیت‌های رادیو و تلویزیونی که تا پیش از آن برای امواج رادیو تلویزیونی تعیین تکلیف می‌کرد در این موقعیت موثر بود. دولت ریگان مقررات موسوم به «قانون انصاف» را از مجموعه‌ی مقررات دولتی رسانه حذف کرد. این قانون که از سوی کمیسیون فدرال ارتباطات اعمال می‌شد، صاحبان رادیو و تلویزیون را ملزم می‌کرد که در بحث‌های سیاست عمومی، به همه‌ی طرف‌های بحث، فرصت برابری برای اظهارنظر بدهند. حذف این قانون، نسل تازه‌ای از شخصیت‌های رادیویی دست‌راستی را به وجود آورد تا برای گروه بزرگی از مخاطبان محافظه‌کار که به طور کلی به رسانه‌ها بی‌اعتماد بودند برنامه بسازند. کمی بعد از این تاریخ بود که این نوع برنامه‌ها به جدول بیست و چهار ساعته‌ی برنامه‌های تلویزیون‌های کابلی راه پیدا کردند. و البته این مرداک بود که پای این برنامه‌ها را به تلویزیون‌های کابلی باز کرد. مرداک سال‌ها شاهد فعالیت رقیب جوانش تد ترنر بود که شبکه‌ی خبری تلویزیونی سی‌ان‌ان را بنیان گذاشته بود. او در سال ۱۹۹۶ سرانجام همراه با راجر ایلس، یکی از مشاوران پیشین جورج بوش پدر، شبکه‌ی خبری خودش فاکس‌نیوز را با رویکرد محافظه‌کارانه راه انداخت. مخاطبان این شبکه‌ی خبری آمریکایی‌هایی بودند که به علایق سیاسی‌شان در سایر شبکه‌های خبری توجهی نمی‌شد. وقتی تایم وارنر، شرکت مالک سی‌ان‌ان، حاضر نشد به فاکس‌نیوز برای پخش از سیستم کابلی خودش در نیویورک جایی بدهد، رودلف جولیاپی، شهردار محافظه‌کار نیویورک که بعدها مشاور ترامپ شد و آن روزها در صفحات روزنامه‌ی «نیویورک پست» می‌درخشید، به شرکت تایم وارنر فشار آورد تا این‌که بالاخره دو طرف بر سر این موضوع توافق کردند. فاکس‌نیوز، شبکه‌ی خبری ۲۴ ساعته با انحصار مجازی‌اش در شبکه‌های خبری محافظه‌کار، به مرداک قدرت تأثیرگذاری زیادی داد.

قدرتی که در جریان بعضی ماجراهای سیاسی پر سروصدا مانند رسوایی مونیخا لوینسکی و حوادث پس از یازده سپتامبر و جنگ عراق افزایش یافت. اگر نشریات متعلق به مرداک در جهت گیری‌هایشان رک و بی‌پرده بودند، فاکس نیوز اما با پنبه سر می‌برید و عملکردش ظریف و عمیق بود. فاکس نیوز هر روز و هر ساعت به افکار میلیون‌ها آمریکایی که این شبکه را منبع خبری اصلی خود قرار داده بودند شکل می‌داد.

پژوهشی که در سال ۲۰۰۷ انجام شده نشان می‌دهد که پخش برنامه‌های این شبکه در نقاط خاصی، رأی‌دهندگان محلی را به سمت نامزدهای دست‌راستی کشانده است. چیزی که بعدها به تأثیر فاکس نیوز معروف شد. در سال ۲۰۱۴ نظرسنجی شرکت پیو نشان داد که اکثریت کسانی که خودشان را محافظه‌کار می‌خوانند تنها به این شبکه‌ی خبری اعتماد دارند. دفتر مرداک در طبقه‌ی بالای تحریریه‌ی فاکس نیوز در مرکز منهن محل قرار هر نامزد جدی جمهوری خواهی شد که می‌خواست وارد رقابت‌های ریاست جمهوری شود.

پنجاه سال پس از مالکیت نشریه‌ی «نیوز آف آدلاید» مرداک اکنون به اوج تأثیرگذاری بر افکار عمومی رسیده بود. دیوید فرام، یکی از نویسندگان سخنرانی‌های جورج بوش پسر، در مصاحبه‌ای با برنامه‌ی «نایت‌لاین» در شبکه‌ی ای‌بی‌سی می‌گوید، «جمهوری‌خواهان ابتدا فکر می‌کردند که فاکس برای ما کار می‌کند اما حالا ما فهمیده‌ایم که این ماییم که برای فاکس کار می‌کنیم.»

۴- یک محصول و بنیان‌گذار فرهنگ‌دش

موفقیت مرداک در ساخت امپراتوری‌اش ناگزیر این پرسش را هم مطرح کرد که پس از او چه کسی این امپراتوری را اداره خواهد کرد. او هم‌زمان با بالا رفتن سنش، اغلب در محافل خصوصی می‌گفت که نمی‌خواهد مثل سامنر رdstون، غول پیر رسانه‌ای بشود که زیر بار واگذاری کنترل شبکه‌ی رادیو تلویزیونی سی‌بی‌اس و شرکت چند رسانه‌ای وی‌اکام نمی‌رود

آن هم در حالی که دیگر نه می‌تواند حرف بزند و نه به تنهایی از پس غذا خوردن برمی‌آید. اما وقتی مرداک هم ۷۵ ساله و بعد ۸۰ ساله شد باز هم حاضر نشد برای آینده‌ی امپراتوری‌اش برنامه‌ای بریزد.

مرداک اوایل به لاکلان علاقه نشان می‌داد و او را در ۲۲ سالگی به عنوان مدیرعامل یکی از روزنامه‌های زنجیره‌ای‌اش در استرالیا منصوب کرد و از راه دور بر رشد او نظارت می‌کرد که در ۳۳ سالگی در شرکت نیوز کورپ، شرکت چندملیتی رسانه‌ای، به معاونت اجرایی مدیر رسیده بود. اما بعد از این که لاکلان بارها با مدیران باتجربه‌ای که او را شاهزاده‌ای نورسیده می‌دیدند، درگیر شد، رشدش متوقف شد. لاکلان، که از موضع‌گیری پدرش علیه خود در این اختلاف‌ها خشمگین بود، با دریافت ۱۰۰ میلیون دلار از تراست خانوادگی، شرکت نیوز کورپ و ایالات متحده را ترک کرد. اینجا بود که پسر دیگر مرداک، جیمز که آن زمان رئیس کل شرکت «بریتیش اسکای برودکستینگ» بود، رخت جانشینی امپراتوری را به تن کرد.

اما در تابستان ۲۰۱۵ مرداک ۸۴ ساله، نظرش را عوض کرد: جیمز کنار رفت و دوباره لاکلان در صدر صف جانشینان قرار گرفت. این خبر را نه خود مرداک که لاکلان و چیس کری، رئیس کمپانی، موقع ناهار در منتهن به جیمز دادند. لاکلان دوباره به آمریکا برگشت تا زمام امور را در دست بگیرد و از این پس جیمز زیر دست او کار می‌کرد.

جیمز وقتی خبر را شنید از خشم کبود شد. دو برادر و پدرشان کمتر از دو سال پیش از آن به صراحت درباره‌ی جانشینی صحبت کرده بودند و در آن زمان قرار بر این شده بود که جیمز کنترل امور را در دست بگیرد و لاکلان فقط نقشی نمادین داشته باشد. از نگاه جیمز، او نه تنها وعده‌ی این شغل را گرفته بود که برایش زحمت هم کشیده بود.

جیمز چند سال از زندگی‌اش را برای ساخت کمپانی صرف کرده بود. با خانواده‌اش به هنگ کنگ و لندن مهاجرت کرده بود. درست در همان سال‌هایی که برادرش در استرالیا مشغول ماهی‌گیری با نیزه و

سرمایه‌گذاری‌های مشکوک بود، هر ماه به بمبئی پرواز می‌کرد تا تجارت تلویزیونی و ماهواره‌ای خانواده‌اش را همراه با فناوری و بازار جدید پیش ببرد. حالا بعد از شنیدن خبر برکناری‌اش از قدرت، خشمگین و هراسان، تهدید کرد که استعفا می‌دهد و مستقیم از سر ناهار به فرودگاه و به اندونزی رفت.



مرداک با پسرانش لاکلان و جیمز در آدلاید سال ۲۰۰۲
عکس پیتر متیو/فایرفکس ایمیجز از گتی ایمیجز

جیمز مرداک با لهجه‌ی مقطع و شبه‌بریتانیایی و علاقه‌اش به پوشیدن جین و صندل، نماد قدرتمندان ممتاز جهان امروز است. سال‌ها پیش او شورشی خانواده‌اش بود. گوشواره به گوش می‌زد، موهایش را رنگ می‌کرد و یک لامپ روی دست راستش خالکوبی کرده بود. جیمز به عنوان دانشجوی دوره‌ی کارشناسی دانشگاه هاروارد مدتی با این هدف که مورخ تاریخ باستان شود، درس خواند. به هیئت تحریریه‌ی نشریه‌ی طنز «هاروارد لمپون» پیوست و سرانجام دانشگاه

را در سال ۱۹۹۵ نیمه‌کاره رها کرد تا به دنبال گروه موسیقی راک «گریتفول دد» (Grateful Dead) برود. او یک شرکت مستقل پخش موسیقی هیپ‌هاپ به اسم «راوکاس رکوردز» راه انداخت که کار هنرمندانی مثل طالب کوئلی و موس دف، دو خواننده‌ی هیپ‌هاپ را منتشر می‌کرد. یک سال بعد پدرش شرکت راوکاس را خرید و جیمز را به شرکت نیوز کورپ بازگرداند تا به تاخت‌وتاز کوتاه‌مدت او بیرون از کسب و کار خانوادگی پایان دهد. جیمز در سال ۲۰۰۰ با کاترین هافشمید ازدواج کرد. کاترین مدیر بازاریابی مد و یک مدل پاره‌وقت اهل اورگان در غرب آمریکا بود. جیمز از طریق دوستان مشترک‌شان، در یک کشتی تفریحی در مسیر فیجی با او آشنا شده بود. کاترین کسی است که دیدگاه‌های سیاسی لیبرال‌ش، او را در خانواده‌ی مرداک به یک غیرخودی تبدیل کرده است. او بارها با پدر همسرش درباره‌ی سیاست‌گذاری‌های فاکس نیوز بحث کرده است. این جر و بحث مدام، برای مرداک که نگران تأثیر بیش‌ازحد کاترین بر پسر جوانش بود خسته‌کننده شده بود. یکی از افراد نزدیک به مرداک می‌گوید او وقتی می‌خواست درباره‌ی موضوعی با جیمز بحث کند، پیشنهاد می‌داد که خودش دو نفر برای شام بیرون بروند.

حتی در میانه‌ی دوران امپراتوری پدرش، جیمز با نگاهی آرمان‌گرایانه، خودش را بهترین فرد برای هدایت امپراتوری‌ای می‌دانست که عمدتاً طرز فکری واپس‌گرایانه داشت. به صفر رساندن تولید دی‌اکسید کربن در تمام دفاترش، هدایت سرمایه به سوی تجارتی دیجیتال مثل هولو و کاستن از تندروی‌های فاکس نیوز بخشی از این نگاه بودند. جیمز که خودش را از لحاظ سیاسی میانه‌رو می‌دانست، فاکس نیوز را یکی از بزرگ‌ترین موانع بر سر راه تلاش‌هایش در تنوع بخشیدن و توسعه‌ی کمپانی می‌دانست. یکی از مدیران ارشد کمپانی به خاطر می‌آورد که جیمز در یکی از جلسات مدیران گفته بود می‌خواهد تصویر امپراتوری مرداک

را به گونه‌ای تغییر دهد که فقط به خاطر یکی از محصولاتش و بنیان‌گذار فرهنگش مشهور نباشد.

اما هویت لاکلان مدیون همین بنیان‌گذار فرهنگ است. خط سیر او با جیمز متفاوت است. او از لحاظ دلبستگی به سرزمین استرالیا به پدرش شبیه است. هم به تاریخ طولانی خانواده‌اش در این کشور و هم به چهره‌ی مردانه و فرهنگ سرسختش دلبسته است.

لاکلان وقتی جوان‌تر بود به عنوان کارگر مزرعه، در روستاهای استرالیا، گوسفند می‌چراند و واکسن‌شان می‌زد و کانگوروها را در مزرعه‌ی خانوادگی‌شان شکار می‌کرد. (پدرش به تیراندازی به کفترهای سفالی بسنده می‌کرد.) او بعد از فارغ‌التحصیلی از پرینستون به استرالیا برگشت تا کسب و کار خانوادگی را دنبال کند. خیلی زود به خاطر پوشیدن نیم‌چکمه باکت و شلوار، سرکار رفتن با موتور کواواکی، به رخ کشیدن خالکوبی‌های روی دستانش، صخره‌نوردی و روابط عاشقانه با سارا اوهر، مدل استرالیایی، معروف شد. او در سال ۱۹۹۹ با سارا ازدواج کرد. لاکلان در ملاءعام درباره‌ی دیدگاه‌های سیاسی‌اش حرف نمی‌زند اما از نظر کارکنانش در استرالیا او در بسیاری از موارد، موضعی محافظه‌کارانه دارد. کریس میشل که سال‌های طولانی سردبیر روزنامه‌ی «آسترلیین» بوده، در کتاب خاطراتش با عنوان «خبرسازان» این‌طور نوشته که «لاکلان از هر سیاستمداری در استرالیا محافظه‌کارتر است و دیدگاه‌هایش معمولاً از پدرش دست‌راستی‌تر است.»

سه شاهد می‌گویند که لاکلان یک بار به دفتر یکی از نشریات متعلق به خانواده رفته تا ناخشنودی‌اش را از انتشار سرمقاله‌ای در حمایت از ازدواج همجنس‌گرایان اعلام کند. (لاکلان از طریق یکی از سخنگویانش گفته است که از ازدواج افراد همجنس حمایت می‌کند و چنین موضوعی را به خاطر نمی‌آورد.) بنا به گفته‌ی افراد نزدیک به او، لاکلان

به «هزینه‌ی گزاف حمایت از هزینه‌ی تغییرات اقلیمی» باور ندارد و معتقد است که به موضوع گرمایش جهانی بیش از حد توجه شده است. لاکلان برادرش را مدیر خیلی خوبی می‌دانست اما معتقد بود کسی که خطر کرده و خودش را در استرالیا ثابت کرده، اوست. درست است که بعضی از سرمایه‌گذاری‌هایش، مثلاً شبکه‌ی تلویزیونی «۱۰» با شکست مواجه شده، شبکه‌ای که لاکلان آن را خرید و ظرف شش ماه با از دست دادن ۲۳۲ میلیون دلار و ضبط آن توسط دادگاه، تعطیل شد اما دیگر سرمایه‌گذاری‌هایش از جمله گروه تاپ هاندر (Top Hundred) و چند شبکه‌ی رادیویی، سالانه ده‌ها میلیون دلار درآمد دارند.

وقتی لاکلان قهر کرد و از آمریکا به استرالیا رفت، مرداک سال‌ها چرب‌زبانی کرد تا او را به آمریکا برگرداند. سرانجام طلاق مرداک از همسر سومش وندی در سال ۲۰۱۳ نظر لاکلان را عوض کرد.

لاکلان و جیمز در سال ۱۹۹۹ و موقع شام در رستوران بابو در منهن تلاش کرده بودند پدرشان را از ازدواج با وندی منصرف کنند. وندی از محدود موضوعاتی بود که دو پسر بر سرش اتفاق نظر داشتند. در طول سال‌های بعد میزان علاقه‌شان به وندی کمتر هم شد. جیمز و دست‌کم یکی دیگر از مدیران شرکت، از یک مقام ارشد خارجی شنیده بودند که از نظر آنها، وندی، جاسوس سرویس‌های امنیتی چین است. اعضای خانواده این طور حس می‌کردند که وندی با پدرشان بدرفتار است و او را پیر و خرفت می‌خواند. (یک سخنگوی وندی مرداک این ادعاها را رد کرده است.)

پسرهای مرداک به جز موضوع نفرت از وندی، تقریباً درباره‌ی همه چیز با هم اختلاف نظر داشتند. نه تنها بر سر کنترل امپراتوری پدرشان بلکه بر سر مالکیت یکی از خانه‌هایش هم با هم در جنگ بودند. خانه‌ای ۸۰۰ متری در بورلی هیلز به سبک اسپانیایی که مرداک آن را در سال

۱۹۸۰، مبله از ژول استن، ابرستاره‌ی موسیقی خرید. پسرهایش که در کودکی آنجا زیاد وقت گذرانده بودند، به آن دلبسته بودند. بنا به گفته‌ی شش نفر از اعضای نزدیک خانواده، جیمز و لاکلان وقتی فهمیدند پدرشان خانه را برای فروش گذاشته و لئوناردو دی کاپریو پیشنهاد داده آن را به قیمت ۳۵ میلیون دلار بخرد خیلی دلخور شدند. پسرهای خیلی زود تصمیم گرفتند که خانه را با هم بخرند تا هر کدامشان به لس آنجلس رفت بتواند از آن استفاده کند.

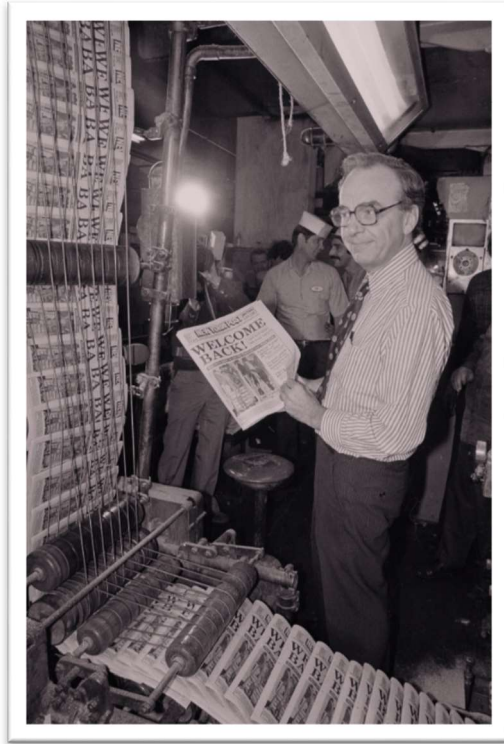
سرانجام جیمز قبول کرد که خودش خانه را با تخفیفی پنج میلیون دلاری به قیمت ۳۰ میلیون دلار بخرد. بعد از خرید خانه، او و کترین متوجه شدند که خانه دیوارکشی می‌خواهد که چند میلیون دلار خرج برمی‌دارد. لاکلان از این که برادرش صاحب این خانه شده بود دلخور بود. مرداک برای به دست آوردن دلش، بعضی از اثاثیه‌ی عتیقه‌ی خانه را به او هدیه داد، در حالی که جیمز و کترین گمان می‌کردند خانه را مبله خریده‌اند.

جیمز بعد از شنیدن خبر انتصاب لاکلان از آمریکا رفت و آماده‌ی استعفا بود تا این که پدر و برادرش با پیشنهادی به سراغش آمدند. پیشنهاد این بود که همه‌ی بخش‌های کمپانی فاکس قرن بیست و یکم زیر دست هر دوی آنها باشند، جیمز مدیرعامل و لاکلان کنار پدرش و بیشتر در مقام عالی ریاست باشد.

قرار بود که کلمات بیانیه‌ی مربوط به این تغییرات با دقت انتخاب شوند تا نشان دهد که آن دو همکار هم‌سطح و برابرند تا جیمز در ملاء عام تحقیر نشود، هر چند در عمل لاکلان رئیس ارشد می‌شد. حقوق سالانه‌ی آنها برابر بود و از سالی تقریباً ۲۰ میلیون دلار شروع می‌شد.

بر اساس این توافق هر دوی آنها می‌توانستند برای استفاده‌ی شخصی و حرفه‌ای به برنامه‌های کمپانی دسترسی داشته باشند. جیمز در دفتر مرکزی کمپانی در منهنن نیویورک مستقر می‌شد و لاکلان آن سوی کشور در ساختمان شماره‌ی ۸۸ کمپانی در لس آنجلس در دفتر عظیمی که

پیشتر پدرش در آن کار می‌کرد و با تصویری از مزرعه‌شان در کاوان استرالیا و یک عکس سیاه و سفید مرداک در سال ۱۹۷۹ که مقابل یکی از دستگاه‌های چاپ «نیویورک پست» ایستاده، تزیین شده بود.



روبرت مرداک ۱۹۷۸ پس از این که «نیویورک پست» بعد از اعتصابی ۵۷ روزه از نو منتشر شد، بتمن/گتی ایمجز

جیمز با احتیاط این شرایط را پذیرفت اما مسئله‌ی جاننشینی هنوز هم بی‌پاسخ مانده بود. در خبر اعلام ارتقای آنها، جایگاه شغلی‌شان برابر بود و دست‌کم جیمز در ملاء عام هنوز وارث بالقوه به شمار می‌رفت. وقتی گرد و خاک‌ها خوابید دو برادر با مجله‌ی «هالیوود ریپورتر»

مصاحبه‌ای کردند که عنوانش این بود: عصر نوین مرداک‌ها. لاکلان در این مصاحبه این تغییر و تحولات را «بی‌دردسر» خواند.

۵- «این کارها از هیچ دل‌قوی بر نمی‌آید»

اوایل سال ۲۰۱۵ ایوانکا ترامپ با مرداک تماس گرفت و ضمن صحبت پیشنهاد داد که با او و پدرش قرار ناهار بگذارد. این دیدار چند روز بعد، در اتاق ناهارخوری ساختمان فاکس نیوز در مرکز منهتن انجام شد. جرد کوشنر، همسر ایوانکا هم در این ناهار حضور داشت. تازه پیش‌غذا را روی میز گذاشته بودند که ترامپ به مرداک گفت می‌خواهد برای ریاست جمهوری نامزد شود.

بنا به گفته‌ی سه شاهد مستقل که این صحنه را روایت کرده‌اند، مرداک حتی سرش را از روی سوپش بالا نیاورد و گفت، «پس باید آماده‌ی حملات تند و تیز باشی» و با دست چند بار دستش را با حالت ضربه حرکت داد.

مرداک پیوند نزدیکی با خانواده‌ی ترامپ داشت. در اواخر دهه‌ی ۷۰ و در دهه‌ی ۸۰ که ترامپ در نیویورک ستاره‌ای نوظهور بود به رونق روزنامه‌ی «نیویورک پست» کمک زیادی کرده بود. کوشنر بعد از خریدن نشریه‌ی «نیویورک آبزور» در سال ۲۰۰۶ به مرداک نزدیک شد.

دوستی غیرمنتظره‌ای بین غول رسانه‌ای هشتاد ساله و ناشر تازه به دوران رسیده‌ی ۳۰ ساله شکل گرفت. مرداک و همسرش وندی حتی کوشنر و ایوانکا را برای تعطیلات با خودشان به کشتی تفریحی خود در کارائیب بردند.

وقتی مرداک در سال ۲۰۱۳ از همسرش جدا شد کوشنر که در صنعت املاک بود به او کمک کرد تا برای آپارتمان دوران مجردی‌اش یک طراح داخلی پیدا کند. ایوانکا یکی از پنج آدم معتمدی بود که بر تراست مرداک و دو دختر وندی (همسر سابقش) در کمپانی فاکس قرن ۲۱ و شرکت

نیوز کورپ به ارزش سهام ۳۰۰ میلیون دلاری نظارت می‌کرد. (او در سال ۲۰۱۶ از عضویت در این تراست کناره گرفت.)



دونالد ترامپ، آنا مان و روبرت مرداک سال ۱۹۹۳
لایف پیکچر کالکشن/گتی ایمجز

مرداک متوجه جذابیت ترامپ به عنوان یک ستاره‌ی رسانه‌ای برای افزایش مخاطبان بود اما او را آدمی جدی نمی‌دانست، چه برسد به این که بخواهد او را در قد و قواره‌ی ریاست‌جمهوری ببیند. سه نفر از نزدیکان مرداک تأیید کرده‌اند که هر وقت مرداک درباره‌ی ترامپ صحبت می‌کرد از او به عنوان «یک احمق تمام‌عیار» نام می‌برد. (یک سخنگوی مرداک از قول او گفته که هرگز درباره‌ی ترامپ چنین اصطلاحی را به کار نبرده است.)

راجر ایلس، که سال‌ها رئیس فاکس نیوز بود، به خصوص وقتی چشم ترامپ را دور می‌دید لطف چندانی به او نداشت. با این همه به او نزدیک بود. نزدیکی آنها به سال ۱۹۸۹ در دوران کارزار انتخاباتی رودلف جولیانی برای به شهرداری نیویورک برمی‌گشت. ایلس در آن زمان

مشاور رسانه‌ای جولیان بود و ترامپ به عنوان یک آدم مشهور، برای او کمک مالی جمع می‌کرد.

این ایلس بود که در سال ۲۰۱۱ به دونالد ترامپ جای ثابتی در برنامه‌ی صبح دوشنبه‌ی شبکه‌ی فاکس با عنوان «فاکس اند فرندز» داد، برنامه‌ای که نطفه‌ی جنجال بر سر «محل تولد اوباما» در آن بسته شد. (ترامپ این اتهام را در مورد اوباما مطرح کرد که او اصلاً متولد ایالات متحده نیست.) با وجود این، یکی از نزدیکان ایلس به ما گفت که او از تصور ریاست‌جمهوری ترامپ خشمگین بود و می‌گفت او شایستگی رفتن به اتاق بیضی‌شکل (دفتر ریاست‌جمهوری آمریکا در کاخ سفید) را ندارد. مقاومت اولیه‌ی فاکس نیوز در برابر تبلیغ نامزدی ترامپ برایش عجیب و آزاردهنده بود. ترامپ تصور می‌کرد که سابقه‌ی آشنایی‌اش با مرداک و ایلس کمک می‌کند تا نامزدی ریاست‌جمهوری‌اش پوشش خبری خوبی در این شبکه بگیرد. حتی ایلس به ترامپ ای میلی نوشت و از او پرسید چه طور می‌تواند کمکش کند.

ترامپ بعد از حاشیه‌نویسی ذوق‌زده‌ای بالای ایمیل یک نسخه از آن را برای کوری لواندوفسکی، مدیر کارزار انتخاباتی‌اش فرستاد. چند ماه اول کارزار انتخاباتی ترامپ، وظیفه‌ی ایلس مدیریت رابطه‌ی پیچیده‌ی فاکس نیوز با ترامپ بود که مرتب شکایت می‌کرد که این شبکه از رقابیش یعنی تد کروزر و مارکو روبیو حمایت می‌کند.

برت بایر، مجری برنامه‌ی «کازینو‌گنبدیدیت» در فاکس نیوز، تقریباً هر هفته ترامپ را از خشم دیوانه می‌کرد. هر بار برنامه‌اش با یک چرخ رولت قمار و نورپردازی‌ای به سبک و سیاق کازینوهای لاس وگاس شروع می‌شد و بعد بایر و تحلیل‌گران سیاسی شرکت‌کننده در برنامه، روی نامزد احتمالی ریاست‌جمهوری شرط می‌بستند. با این که ترامپ در بیشتر نظرسنجی‌ها پیش‌تاز بود باز هم کارشناسان برنامه‌ی بایر او را در پایین جدول جا می‌دادند.

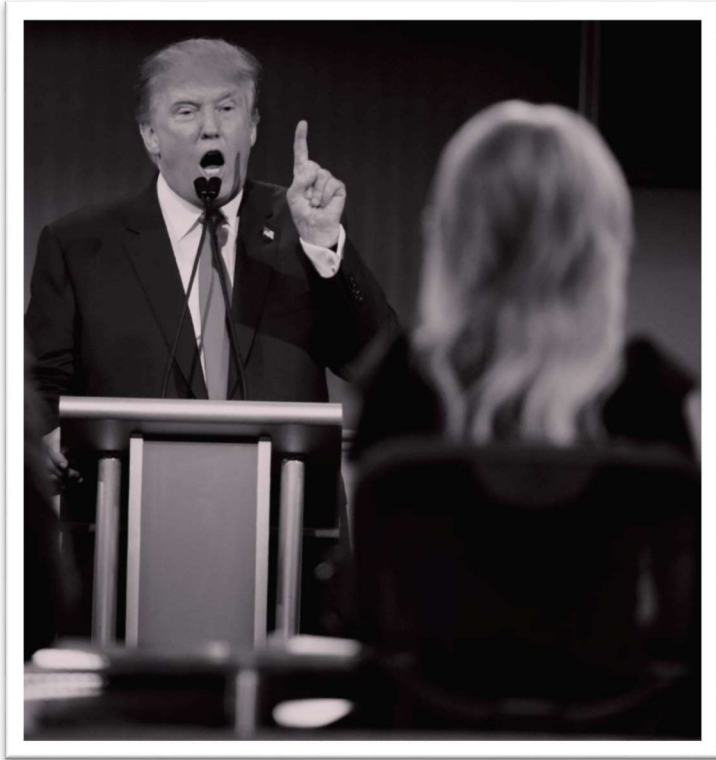
این موضوع به طور خاص از آن جهت برای ترامپ آزاردهنده بود که بایر هم‌بازیِ گلف او بود و برای مدت کوتاهی نیز عضو باشگاه بین‌المللی گلف ترامپ در وست پالم بیچ ایالت فلوریدا شده بود. (وقتی نامزدی ترامپ برای ریاست جمهوری قطعی شد، بایر عضویتش را در این باشگاه لغو کرد.) یک‌بار که استفان هایز، سردبیر هفته‌نامه‌ی «استاندارد» و یکی از تحلیل‌گران فاکس نیوز ترامپ را «دلچک» خواند، او یک کپی از سوابق شغلی‌اش را همراه با یادداشتی برای بایر فکس کرد و نوشت «به هائیس بگو هیچ دلچکی نمی‌تواند این همه کار بکند.» ترامپ حتی یک بار در یک مصاحبه‌ی زنده به شان هنیتی از مجریان فاکس گفت که بعضی از تحلیل‌گران این شبکه باید اخراج شوند چون نسبت به او بی‌طرف نیستند.

ترامپ در رابطه‌اش با فاکس نیوز چندان دست خالی هم نبود. فرمول مرداک این بود که نظر خواننده‌ها و بیننده‌ها را به سمت نامزد مطلوب خودش جلب کند اما اکنون ترامپ خودش به تنهایی شور و اشتیاق زیادی بین مخاطبانش برانگیخته بود.

از قضا حامیان سرسخت ترامپ، هسته‌ی اصلی مخاطبان فاکس نیوز بودند و او به واسطه‌ی حساب‌هایش در شبکه‌های اجتماعی با آنها ارتباط مستقیم داشت. اگر قرار بود که این حامیان بین ترامپ و فاکس یکی را انتخاب کنند، نتیجه هر چه بود، ایلس، سردبیر ارشد فاکس نیوز را خوشحال نمی‌کرد.

در همین زمان گروهی از رسانه‌های دست‌راستی جدید مثل «برایتبارت»، «پاندیت گیت‌وی»، «وان آمریکا نیوز» و «سینکِر»، دور و بر ترامپ را گرفته بودند و از نامزدی او حمایت می‌کردند. رادیو تلویزیون‌های جریان اصلی متوجه بودند که ترامپ می‌تواند چه تأثیری بر افزایش آمار مخاطبان آنها بگذارد. یک مقام پیشین کارزار انتخاباتی ترامپ به خاطر می‌آورد که او به ایلس هشدار داده بود که «من می‌توانم

با پیژامه به برنامه‌ی "امروز" (در شبکه‌ی ان بی سی) بروم و پنج میلیون نفر هم بیننده‌ام خواهند بود.»



دونالد ترامپ در نخستین مناظره‌ی مقدماتی جمهوری خواهان سال ۲۰۱۵
داگ میلز / نیویورک تایمز

وقتی مگان کلی، از مجریان فاکس نیوز در تابستان ۲۰۱۵ و در جریان یکی از مناظره‌های دور مقدماتی میان جمهوری خواهان، از ترامپ خواست در دفاع از خود و مواضعش در قبال زنان صحبت کند ترامپ به ایلس گفت مگان کلی را وادار به عذرخواهی علنی کند. این مجری

فاکس نیوز که در جریان مناظره به دونالد ترامپ گفته بود، «تو به زن‌هایی که دوست نداشته‌ای لقب خوک چاق، سگ، لجن یا حیوان نفرت‌انگیز دادی»، در نهایت حاضر به عذرخواهی نشد.

شش ماه بعد، در شب مناظره‌ی جمهوری‌خواهان در شهر دمویین در ایالت آیووا، ایلس خیلی تلاش کرد که دل ترامپ را به دست بیاورد. دونالد ترامپ این مناظره را بایکوت کرده بود چون مگان کلی مجری آن بود. ایلس زمانی کاملاً ناامید شد که ترامپ بعد از تماشای چارلز کراتامر در فاکس نیوز که مشغول مسخره کردنش بود از روی باند فرودگاه به ایلس تلفن کرد. این مناظره بدون حضور ترامپ، تنها نیمی از بینندگان مناظره‌ی قبلی فاکس را دوباره پای تلویزیون آورد.

جرد کوشنر هم‌زمان در تلاش بود که به صورت خصوصی و با نشان دادن ویدیوهایی از جمعیت کثیر مردم در گردهمایی‌های انتخاباتی ترامپ روی آیفونش، مرداک را راضی کند که رفتار شبکه‌اش را با پدر زن او تغییر دهد.

حتی وقتی ترامپ در حال اوج‌گیری بود، مرداک کماکان به دنبال جایگزینی بهتر می‌گشت. بر اساس اطلاعات کمیسیون فدرال انتخابات، مرداک در تابستان ۲۰۱۵ به آبرکمیته‌ی سیاسی حامی جان کیسیک، جمهوری‌خواه میانه‌رویی از اوهایو، ۲۰۰ هزار دلار کمک کرده بود.

کاترین همسر جیمز که از نظر پدر شوهرش درباره‌ی ترامپ با خبر بود سعی کرد میانجی‌برگزاری جلسه‌ای بین هیلاری کلینتون و مرداک شود. او که قبلاً در برنامه‌ی ابتکاری کلینتون برای تغییرات اقلیمی کار می‌کرد، کلینتون‌ها و حلقه‌ی داخلی مشاوران آنها را می‌شناخت و امیدوار بود که مرداک او را تأیید کند یا دست‌کم قول بی‌طرفی بدهد.

این ایده چندان هم دور از ذهن نبود. مرداک به هر حال یک بار از تونی بلر که مانند کلینتون سیاستمداری میانه‌رو در حزب کارگر بریتانیا بود، حمایت کرده بود و یک بار هم برای جذب حمایت مالی هیلاری کلینتون در رقابت‌های سن، میزبان یک برنامه شده بود. مرداک که حس می‌کرد

به کمک عروسش نیاز ندارد شخصاً به کلینتون تلفن کرد و برای دفتر مرکزی کارزار او پیام گذاشت. کلینتون تقریباً بلافاصله به او زنگ زد و دعوتش را برای دیدار رد کرد. (سخنگوی کلینتون در واکنش به این موضوع حاضر به اظهار نظر نشد.)

ترامپ در دور مقدماتی انتخابات ریاست جمهوری، با موضع‌گیری علیه مداخله‌ی نظامی آمریکا در سایر کشورها، تجارت آزاد و مسئله‌ی مهاجران برای خودش هویتی سیاسی ساخت. همه این موضع‌گیری‌های ترامپ با مواضع نومحافظه‌کارانه‌ی مرداک در تناقض بود.

مرداک تمام قد از جنگ عراق حمایت کرده بود، مبلغ سیاست‌های باز مهاجرتی بود و حتی از استرالیا خواسته بود که گفت‌وگو درباره سیاست‌های ضد‌مهاجرتی را متوقف کند زیرا «این بحث‌ها در آمریکا هم با شکست مواجه شده بود». او همچنین از قراردادهای تجاری بین‌المللی مثل پیمان تجاری اقیانوس آرام حمایت می‌کرد.

نگاه مرداک به ایدئولوژی نوظهور ترامپ را اغلب می‌شد در سرمقاله‌های ضد‌ترامپ «وال‌استریت جورنال» دید. یک منبع آشنا با این موضوع به ما گفت که پاول ژيگو، دبیر صفحه‌ی سرمقاله‌های «وال‌استریت جورنال» در این دوران، به طور مداوم با صاحب روزنامه یعنی مرداک در تماس بود. همه‌ی اینها در حالی بود که خود مرداک مسئول برانگیختن موج‌هایی بود که حالا ترامپ را بالا و بالاتر می‌بردند.

در سال‌های ریاست جمهوری باراک اوباما، فاکس نیوز کسب سود و افزایش مخاطب را در گزارش لحظه به لحظه‌ی راهپیمایی‌های پر سروصدای تی‌پارتی، جنبش محافظه‌کار و پوپولیست برآمده در سال ۲۰۰۹، و همین‌طور پخش برنامه‌های تحلیلی در جهت بی‌اعتبار کردن نخستین رئیس‌جمهور آفریقایی‌تبار کشور یافته بود. هم‌زمان با پیشرفت روند تعیین نامزد جمهوری‌خواهان در انتخابات ریاست جمهوری، این انرژی پوپولیستی ضد حاکمیت، به وضوح ترامپ را در حلقه‌ی حمایت خود گرفت.



روپرت مرداک و دونالد ترامپ سال ۲۰۱۷ ال دارگو/ نیویورک تایمز

در ماه مارس ۲۰۱۶، هشت ماه قبل از انتخابات، دونالد ترامپ مردی که مرداک یک سال پیش بی‌درنگ کنارش زده بود، آشکارا پیش‌تاز نامزدی حزب بود. اینجا بود که مرداک نخستین گام را برای پذیرفتن او برداشت. روپرت مرداک، دوم مارس ۲۰۱۶ در توثیقی نوشت که همان‌طور که انتظار می‌رفت، ترامپ دست دوستی به سوی حزب جمهوری خواه دراز کرده است. اگر او بقیه را کنار بزند، همراه نشدن حزب با او حماقت خواهد بود.

۶- روز استقلال: رستاخیز

آن سوی اقیانوس اطلس، موج دست‌راستی سهمگین و مشابهی در راه بود تا بریتانیا را از اتحادیه‌ی اروپا بیرون بکشد. اینجا هم پای مرداک در میان بود. هفته‌نامه‌ی «سان»، مؤثرترین نشریه‌ی مصور متعلق به او، مدت‌ها حامی خروج از اتحادیه‌ی اروپا بود. خود مرداک هم مخالفتش

را با اتحادیه‌ی اروپا روشن کرده بود. آنتونی هیلتون، یادداشت‌نویس روزنامه‌ی «ایونینگ استاندارد» چاپ لندن از مرداک نقل می‌کند که «من وقتی به داوینینگ استریت (دفتر نخست‌وزیری بریتانیا) می‌روم هر چه بخواهم همان می‌شود. اما وقتی که به بروکسل (مقر اتحادیه‌ی اروپا) می‌روم دست به سرم می‌کنند. (مرداک البته بعداً چنین حرفی را تکذیب کرد اما هیلتون پای حرفش ایستاد.)

جان میجر، نخست‌وزیر بریتانیا، در سال ۱۹۹۷ طی تحقیق و تفحص قضایی گفته بود مرداک به او هشدار داده که «اگر موضعم را نسبت به اتحادیه‌ی اروپا عوض نکنم از من حمایت نخواهد کرد.» نخست‌وزیر وقت بریتانیا این حرف مرداک را نوعی درخواست برگزاری همه‌پرسی برای خروج از اتحادیه‌ی اروپا تعبیر کرده بود. (مرداک بیان چنین حرفی را هم رد کرده است). اما سرانجام همه‌پرسی موردنظر مرداک همراه با تاپستان ۲۰۱۶ از راه رسید. همیشه به نظر می‌رسید که ایده‌ی جدا شدن بریتانیا از اروپا، نه یک هدف سیاسی واقعی بلکه خواب هذیانی ناسیونالیست‌ها است. اما در سال ۲۰۱۶ حامیان برگزیت با نگاهی به وضعیت جهان می‌دیدند که زمان خوش‌بینی فرارسیده است. در حالی که کارزار انتخاباتی ترامپ، ایالات متحده را متلاطم کرده بود، ناسیونالیست‌های مرتجع هم در حال کسب حمایت جهانی بودند. در انتخابات ریاست جمهوری استرالیا نامزد حزب آزادی، که بنیان‌گذارانش جمعی از افسران سابق نازی بودند، در رقابتی شانه به شانه به رقیبش باخت. در شرق آسیا و در فیلیپین، رودریگو دوئرتا در کارزار انتخاباتی علیه نخبگان سیاسی و اقتصادی، قول داد جنایتکاران را آنقدر بکشد که ماهی‌های خلیج فیلیپین از خوردن گوشت جسدشان چاق شوند. نخست‌وزیر مجارستان، ویکتور اوربان، دیواری مرزی را با سیم خاردار کشیده بود تا کسانی را که «مهاجمان مسلمان» می‌خواند، از کشورش دور کند. چند هفته پیش از همه‌پرسی برگزیت، هفته‌نامه‌ی «سان»، سردمدار نشریاتی بود که برای ترک اتحادیه‌ی اروپا خودشان را

هلاک کرده بودند. این هفته‌نامه، برگزیت را انتخاب میان «اروپاپرستان متکبر» و طبقه‌ی کارگر بریتانیا می‌خواند و هم‌زمان علیه «مهاجرت دسته‌جمعی که سبب پایین نگه داشتن دستمزدها، افزایش فشار بر مدارس و بیمارستان‌ها و راه‌ها و مسکن می‌شود» داد سخن می‌داد. در آن زمان این هدف سیاسی هنوز خیلی دور از دسترس به نظر می‌رسید و به همین دلیل، «تایمز»، دیگر روزنامه‌ی بریتانیایی مرداک که موقرت‌ر رفتار می‌کرد، خوانندگان اغلب ثروتمند و میانه‌روترش را به رأی به ماندن در اتحادیه‌ی اروپا تشویق می‌کرد. اما قلب مرداک در هفته‌نامه‌ی «سان» می‌تپید و نوک پیکان نفوذش هم آنجا بود.



جیمز و روبرت مرداک در سال ۲۰۱۱ در جریان شهادت
در برابر پارلمان بریتانیا بر سر جنجال هک تلفن‌ها
عکس آسوشیتد پرس

معلوم نیست که نفوذ مرداک در سیاست بریتانیا چقدر بوده است. او پنج سال پیشتر، در پی بزرگ‌ترین بحران زندگی حرفه‌ای‌اش ناچار به ترک

لندن شده بود. در سال ۲۰۱۱ افشا شد که روزنامه‌ی «نیوز آف د ورلد»، نشریه‌ی مصور متعلق به مرداک، به صورت نظام‌مند تلفن‌های تعدادی از سیاستمداران، ستاره‌ها، خاندان سلطنتی و حتی یک دختر مدرسه‌ای ۱۳ ساله را هک کرده است.

این روزنامه در کانون جنجالی قرار گرفته بود که کاملاً به درد تیتِر یک نشریات مصور می‌خورد. این جنجالی بود که مسیر فعالیت‌های خانواده و امپراتوری مرداک را از بیخ و بن تغییر داد. ریکا بروکس، یکی از مدیران مرداک که به نوعی فرزند معنوی هفتم مرداک به حساب می‌آمد، دستگیر، بازجویی و سپس تبرئه شد. (ریکا بروک که در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۳ سردبیر روزنامه‌ی «نیوز آف د ورلد» بود از چهره‌های مهم جنجال هک شدن تلفن‌ها به حساب می‌آمد.) اندی کولسون که از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ سردبیر روزنامه‌ی «نیوز آف د ورلد» بود و بعدها در دفتر نخست‌وزیری دیوید کامرون مشغول به کار شد، به جرم تشویق گزارشگرانش به فعالیت‌های غیرقانونی به زندان رفت. کمپانی مرداک در تلاشی بیهوده برای محدود کردن آسیب، میلیون‌ها دلار خرج کرد تا رضایت قربانیان را به دست بیاورد.

مرداک و پسرش جیمز که در آن زمان، عملیات اروپایی و آسیایی شرکت را از لندن مدیریت می‌کرد در جلسات عمومی استماع در پارلمان بریتانیا کباب شدند. جیمز در این جلسات اتهام مطلع بودن از ماجرای هک شدن تلفن‌ها را رد کرد اما ایمیلی که در سال ۲۰۰۸ دریافت کرده بود، نشان می‌داد که در آن زمان، در مورد خطیر بودن موضوع به او هشدار داده شده است اما جیمز به نمایندگان پارلمان گفت که همه ایمیل‌های رد و بدل شده را ندیده است.

جنجال هک شدن تلفن‌ها، یک رسوایی حرفه‌ای بود اما به خاطر ساختار خانوادگی این شرکت، یک موضوع خانوادگی هم به حساب می‌آمد. جیمز پدرش را به خاطر ریشه دواندن فرهنگ بی‌حساب و کتاب بودن امور در روزنامه و هم به خاطر این که او را وادار کرده بود بخش

زیادی از تقصیر را به گردن بگیرد، سرزنش می‌کرد. در واقع، این اتفاقات در دورانی روی داده بود که جیمز هنوز مسئولیت دفاتر اروپا را برعهده نگرفته بود. به نظر جیمز، پدرش از این که می‌دید او بر ماجرا سرپوش گذاشته، عصبانی بود. جیمز تا آنجا پیش رفت که به بعضی از اعضای هیئت مدیره گفت نگران وضعیت سلامت روانی پدرش است. مرداک جیمز را از آن رو سرزنش می‌کرد که معتقد بود حلقه‌ای از مشاوران چاپلوس و سست‌عنصر او را احاطه کرده‌اند. مشاورانی که وقتی هنوز می‌شد از بحران جلوگیری کرد در مهارش ناکارآمد بودند.

چهار نفر که در جریان این موضوع بوده‌اند به ما گفتند که الیزابت، دختر مرداک که مدت‌ها از فهرست جانشینان احتمالی او بیرون بود در جریان این جنجال برای خودش راهی پیدا کرد و از پدرش خواست جیمز را اخراج کند و او را به جایش منصوب کند. (سخنگوی الیزابت، موضوع تشویق پدرش به اخراج جیمز و جانشینی خودش را تکذیب کرده است.) مرداک با اخراج جیمز موافقت کرد اما پیش از این که این تصمیم را علنی کند پشیمان شد. لاکلان از این فرصت استفاده کرد تا نقش ناجی خانواده در زمان بحران را بازی کند. او زمانی که از استرالیا راهی لندن بود از بانکوک به پدرش تلفن کرد و از او خواست که هیچ تصمیم عجولانه‌ای نگیرد. لاکلان با صورتی آفتاب‌سوخته وارد کمپانی لندن شد و با وجود پروازی طولانی در تمام طول روز از استرالیا، سرحال به نظر می‌رسید. حضور لاکلان در لندن، خیال مرداک را آسوده کرد.

پی‌آبرویی علنی با این رسوایی تمام نشد. چند ماه تمرکز رسانه‌ها روی موضوع و بازخواست در مقابل پارلمان بریتانیا هم نورعلی نور بود. روزنامه‌های مرداک در کانون تحقیقاتی قضایی قرار گرفته بودند که بنا بود عملکرد رسانه‌های بریتانیا را بررسی کند. سند نهایی موسوم به گزارش لوئیسون نشان می‌داد که چطور در این کشور یک خانواده از چنان قدرتی برخوردار شده که غرور فراقانونی بودن آن را برداشته است. در این گزارش آمده بود که «گاهی اوقات بزرگ‌ترین قدرت،

قدرتی است که برای اعمالش نیازی به اجازه گرفتن نباشد. سیاستمداران در ارتباطشان با مرداک می‌دانستند که از روزنامه‌های پرتیراژ او نفع شخصی و حمایت سیاسی به دست می‌آورند.»
زمانی که در سال ۲۰۱۲ گزارش لوئیسون درباره رسوایی هک تلفنی منتشر شد مرداک روزنامه‌ی «نیوز آف د ورلد» را تعطیل کرده بود و در بریتانیا هم آهسته می‌آمد و آهسته می‌رفت. عوامل مختلفی سبب شد که او سال ۲۰۱۶ دوباره به بریتانیا برگردد.



مرداک، ترامپ و جری هال در باشگاه گلف ترامپ
در اسکاتلند، سال ۲۰۱۶
عکس کارلو آلرگی/رویترز

ازدواجش با جری هال، همسر چهارمش یکی از آنها بود. این دو نفر زمانی با هم آشنا شدند که جری هال در استرالیا نقش خانم رابینسون را در یک تئاتر اقتباسی از «فارغ‌التحصیل» بازی می‌کرد. جری هال پسری نوجوان در لندن داشت و همراه با مرداک در خانه‌ی ۲۶ اتاقه‌ای که به جری هال و همسر سابقش میک جیگر تعلق داشت، اوقات زیادی را سپری می‌کرد.

چند روز پس از انتخابات، ترامپ که از محتوای مصاحبه‌ی چند هفته پیش خود با هفته‌نامه‌ی «سان» به نظر می‌رسید که از درک نکات ابتدایی برگزیت عاجز است، در سفری که برای جشن پیروزی‌اش به اسکاتلند رفته بود، گفت «من پیش‌بینی کرده بودم که چنین اتفاقی می‌افتد و فکر کنم این اتفاق مهمی است.» او در سفرش به اسکاتلند با مرداک هم قرار گذاشت و او و جری هال را برای شام همراه با دختر و دامادش ایوانکا و جرد کوشنر به باشگاه گلف خودش در شهر آبردین دعوت کرد. عکاس‌ها لحظه‌ای از این ملاقات را با دوربین‌هایشان شکار کرده‌اند که ترامپ در حال راندن چرخ گلف است و مرداک در صندلی عقب نشسته است.

۷- «کار دوران بازنشستگی من»

برای رسانه‌هایی که مخاطبان پروپاقرص دست‌راستی داشتند، تابستان ۲۰۱۶ مطلوب‌ترین زمان ممکن بود. با وجود این، آینده‌ی فاکس نیوز به شدت مبهم بود. گل سرسبد شبکه‌های مرداک از نامزد جمهوری‌خواهی حمایت می‌کرد که نه تنها وجودش به معنای فاصله گرفتن از خط‌مشی سنتی حزب جمهوری‌خواه بود بلکه به نظر می‌رسید که چند ماه آینده در انتخابات شکست می‌خورد. علاوه بر این، راجر ایلس، ستاره‌ی فاکس نیوز، پس از مطرح شدن چند اتهام تجاوز جنسی، ناچار به ترک این شبکه شده بود.

لاکلان و جیمز دست به یکی کردند تا برخلاف میل اولیه‌ی پدرشان ایلس را بیرون بیندازند. ایلس یکی دیگر از موضوعات نادری بود که این دو فرزند مرداک هر کدام با دلایل متفاوتی بر سر عدم علاقه به او با هم تفاهم داشتند. لاکلان اوایل کارش در نیویورک مدام با ایلس درگیر بود. او به دوستانش گفته بود که سال ۲۰۰۵ زمانی دست از همه چیز شست که فهمید پدرش به ایلس گفته از بابت این بچه نگران نباش.

جیمز هم راجر ایلس را شومنی بی‌نزاکت می‌دانست که وجودش تجسم بسیاری از ایده‌های ارتجاعی فاکس نیوز بود: اعتقادات ناسیونالیستی، سوءظن جنون‌آمیز نسبت به مسلمانان و مهاجران بدون مدرک، علاقه به نظریه‌های توطئه‌آمیز و بیش از همه انکار تغییرات اقلیمی. جیمز، خروج ایلس را فرصتی برای سوق دادن شبکه به مسیری جدید می‌دید.



روپرت مرداک و بهرش لاکلان (راست) در سال ۲۰۱۶ بعد از کنار زدن راجر ایلس از فاکس نیوز. عکس کوین هاگن/گتی‌ایمجز

او می‌خواست مدیر خبر مجربی استخدام کند که این رسانه را با وجود گرایش‌های محافظه‌کارانه، مسئولانه‌تر اداره کند. رسانه‌ای که مجریانش نظرات شخصی‌شان را بی‌توجه به ابتدایی‌ترین موازین خبری از قبیل دقت، انصاف و شایستگی، آشکارا بروز نمی‌دادند. یکی از نامزدهای موردنظر او دیوید رودز بود. دیوید رودز، رئیس سی‌بی‌اس نیوز، مدیر پیشین اخبار فاکس نیوز و برادر بن رودز، مشاور پیشین روابط خارجی اوباما بود. مرداک و لاکلان هر دو این پیشنهاد را رد کردند.

ترجیح آنها تداوم وضع موجود بود و نه تغییر. لاکلان هم مثل پدرش دستکاری در چنین منبع درآمد مهمی را دیوانگی محض می‌دانست. مرداک به جای این که کسی را جایگزین ایلس کند، به دفتری که در فاکس نیوز داشت رفت و خودش مسئولیت امور را به عهده گرفت. راه حلی کوتاه‌مدت که قرار بود دوباره اطمینان سهام‌داران و چهره‌های اصلی آن را جلب کند. خیلی زود راهش به تحریریه هم باز شد و به جلسات و استودیوی پخش اخبار سر می‌زد. از این کارها به عنوان «شغل دوران بازنشستگی» اش یاد می‌کرد و بیشتر از هر وقت دیگری در سال‌های اخیر، خوش بود.

او که یک بار به نامزدی ترامپ بی‌توجهی کرده بود حالا به طور کلی خودش را وقف این موضوع کرده بود. در آخرین روزهای کارزار انتخاباتی ترامپ، فاکس تعداد تحلیل‌گران مخالف ترامپ را در برنامه‌های خود کاهش داد و به تحلیل‌گران و مصاحبه‌کنندگان طرفدار ترامپ افزود، و هم‌زمان بر حملاتش به هیلاری کلینتون افزود.

شان هینتی برنامه‌هایش را حول همان ادعاهای بی‌اساسی تهیه می‌کرد که در محافل دست‌راستی افراطی در سایت‌های اینترنتی و حساب‌های مشکوک روسی در شبکه‌های اجتماعی رواج داشت. او حتی ادعا کرد که کلینتون از یک بیماری کشنده رنج می‌برد و یکی از محافظانش همیشه یک آمپول دیازپام همراه دارد که معمولاً برای مقابله با تشنج به کار می‌رود. (چیزی که در تصاویر ادعایی دیده می‌شد در واقع یک چراغ قوه‌ی کوچک بود.)

یکی از بخش‌های ضد کلینتون برنامه‌ی او با حضور جف راوین برگزار شد که سال‌ها سردبیر ارشد «ویکی ورلد نیوز»، نشریه‌ی مصور عامه‌پسند، بود. جف به کلینتون حمله کرد و گفت شیطان او را تسخیر کرده و در عین حال با یک آدم فضایی به نام پی‌لود رابطه‌ی عشقی دارد. بقیه‌ی رسانه‌های متعلق به مرداک هم از ترامپ حمایت می‌کردند. منتقدان ترامپ در سرمقاله‌های «وال استریت جورنال» برای تعدیل

موضع‌شان در قبال ترامپ تحت فشار روزافزونی بودند. (بخش خبری این روزنامه در موضعی متضاد، برای اولین بار درباره نقش نشریه‌ی «نشنال اینکوایری» در تلاش ترامپ برای پرداخت حق‌السکوت به زنی که مدعی رابطه‌ی جنسی با او بودند، خبری منتشر کرد. یکی از این زنان حق انتشار جزئیات رابطه‌ی جنسی خود با آقای ترامپ را به مبلغ ۱۵۰ هزار دلار به نشریه‌ی «نشنال اینکوایری» فروخته بود اما مدیر این نشریه که دوست و هوادار دونالد ترامپ است، هرگز این گزارش را منتشر نکرد و در واقع با خریدن کپی رایت آن، از انتشار عمومی ماجرا جلوگیری کرد.)



جرد کوشنر، ایوانکا ترامپ، کترین هافشمید و جیمز مرداک در نیویورک ۲۰۱۴.
عکس: کلینت اسپالدینگ/پاتریک مک‌مولان از گتی ایمنجز

جیمز و کترین وقتی دیگر پیروزی کلینتون حتمی به نظر رسید، کوشنر و ایوانکا را به مهمانی کوچکی که در آپر ایست ساید نیویورک برگزار کرده بودند، دعوت کردند. مهمان سخنران این شام هم جیمز استاورایدس،

از اعضای حزب دموکرات بود که از او به عنوان یکی از نامزدهای احتمالی معاونت ریاست جمهوری کلینتون نام برده می‌شد. یکی از حاضران در مهمانی شام به ما گفت جیمز و کترین با کوشش و ایوانکا معاشرت داشتند و این دعوت را نشانه‌ی همدلی قلمداد کردند. آنها خودشان تجربه‌ی بی‌آبرویی بر سر رسوایی هک شدن تلفن‌ها را از سر گذرانده بودند و حالا می‌خواستند همبستگی‌شان را به این زوج نشان بدهند و مؤدبانه بگویند حتی اگر ترامپ ببازد، باز هم آنها در جامعه‌ی منهن پذیرفته خواهند شد.

شب انتخابات وقتی نتایج اولیه آمد، کترین همسر جیمز، از پدر شوهرش که آن موقع در اتاق خبر فاکس نیوز بود پیامکی دریافت کرد. مرداک نوشته بود: انگار زن محبوب شما پیروز میدان است.

فصل دوم

اختلاف‌های درونی

۸- بالاترین استاندارد در اداره‌ی شرکت

روپرت مرداک طی چند ماه با یک سوپرمدل ازدواج کرد، پیش‌تاز همه‌پرسی تاریخی در مورد خروج بریتانیا از اتحادیه‌ی اروپا شد و در انتخابات آمریکا نقشی محوری بازی کرد. او تا این زمان رابطه‌ی نزدیکی با ترزا می، نخست‌وزیر بریتانیا و حتی رابطه‌ی نزدیک‌تری با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور تازه‌وارد آمریکا برقرار کرده بود. با وجود این، امپراتوری رسانه‌ای‌اش، آسیب‌پذیرتر از همیشه بود.

نت‌فلیکس، آمازون، اپل و تعدادی دیگر از شرکت‌های فناوری، محتوا را مستقیم به دست مصرف‌کنندگان می‌رساندند و با سرعتی بی‌سابقه وسعت خود را در سراسر جهان گسترش می‌دادند. این برای شرکت‌های رسانه‌ای باسابقه‌ای مثل فاکس قرن بیست‌ویکم چالشی اساسی بود. امپراتوری مرداک که زمانی غولی بین‌المللی شناخته می‌شد، با خطر «بیش‌ازحد کوچک بودن» مواجه بود. مرداک به رقابت در میدانی جهانی نیازی مبرم داشت. از نظر او، راه حل بدیهی این بود که کنترل کامل شبکه اسکای را در دست بگیرد.

اسکای با درآمد سالانه ۱۶ میلیارد دلار، بزرگ‌ترین شبکه‌ی تلویزیونی پولی در بریتانیا و اروپا بود. خانواده‌ی مرداک در آن زمان ۳۹ درصد از سهام این شبکه را در دست داشت و سود حاصل از همین سهم، سه برابر درآمد فاکس نیوز بود. افزون بر این، اسکای یک شبکه ۲۴ ساعته‌ی خبری هم به اسم اسکای نیوز در بریتانیا داشت که می‌توانست به یک شبکه‌ی خبری جهانی تبدیل شود و از رقیب دیرینه‌ی مرداک

یعنی بی‌بی‌سی جلو بزند، شبکه‌ای که هزینه‌هایش از محل بودجه‌ی عمومی تأمین می‌شود.



مرداک در یک کنفرانس خبری در سال ۱۹۹۳
عکس: جان استیل‌ول / پی‌ای ایمجز و گتی ایمجز

برای جیمز که قرار بود اسکای را مدیریت کند، این معامله ارزش شخصی هم داشت: فرصتی برای اعاده‌ی حیثیت بود. او یک بار پنج سال قبل سعی کرده بود از جمله با نزدیک شدن به دیوید کامرون اسکای را بخرد. کامرون در آن زمان یک عضو محافظه‌کار پارلمان بریتانیا بود که رؤیای نخست وزیری در سر می‌پروراند. حضور خانواده‌ی کامرون در اقامتگاه تعطیلات خانوادگی مرداک‌ها در نزدیکی جزیره‌ی سانتورینی یونان سرآغاز رفاقتی پرمفعت برای دو طرف شد. هدف هر دو واضح بود. کامرون، حمایت مرداک‌ها را می‌خواست.

جیمز هم می‌خواست آفکام، نهاد ناظر بر رسانه‌ها در بریتانیا، را از سر راه خود بردارد. نهادی که نظرش درباره‌ی شایستگی یا ناشایستگی مرداک‌ها برای مدیریت اسکای، تعیین‌کننده بود.

با نزدیک شدن زمان انتخابات سال ۲۰۱۰ دیوید کامرون در ملاء عام وعده داد که در دوره‌ی حکومت محافظه‌کاران «آفکام به شکل کنونی‌اش، دیگر وجود نخواهد داشت.» کمی بعد از آن، جیمز مرداک، از دیوید کامرون دعوت کرد که به جورج کلاب، یک باشگاه خصوصی در می‌فیر لندن، برود و تا به او بگوید هفته‌نامه‌ی «سان» به حمایت ۱۲ ساله‌اش از حزب کارگر پایان می‌دهد و در انتخابات امسال از او حمایت خواهد کرد. (جیمز و کامرون هر دو هر نوع قرار و مدار در این مورد را تکذیب کرده‌اند.) اما درست زمانی که جیمز سرگرم آماده کردن مقدمات بود، ماجرای هک شدن تلفن‌ها از پرده بیرون افتاد. جیمز و پدرش برای شهادت دادن به پارلمان بریتانیا احضار شدند و او مجبور شد که پیشنهاد معامله‌ی ۱۲ میلیارد دلاری برای خرید اسکای را کنار بگذارد. به این ترتیب آفکام جان سالم به در برد.

وقتی که جیمز برای بار دوم قصد داشت برای خرید اسکای قدم پیش بگذارد، برادرش لاکلان و دیگران در کمپانی فاکس قرن بیست و یکم ملاحظاتی داشتند. یکی از ملاحظات این بود که پای جیمز بیش‌ازحد در جریان رسوایی هک شدن تلفن‌ها و اولین تلاش شکست‌خورده‌ی خانواده برای خریدن شرکت ماهواره‌ای اسکای وسط بود. اما جیمز که کمپانی را بهتر می‌شناخت، یک‌دندگی کرد و در دسامبر ۲۰۱۶ با صاحبان اسکای معامله‌ای تازه کرد.

سال ۲۰۱۶ آلن و آوری، وکلای کمپانی فاکس قرن بیست و یکم، یادداشت بلندبالایی برای کارن برادلی، وزیر فرهنگ، رسانه و ورزش بریتانیا فرستادند و در آن توضیح دادند که چرا این بار معامله‌ی خرید اسکای با معامله‌ی پیشین فرق می‌کند. بر اساس نوشته‌ی آنها نه تنها مرداک‌ها، روزنامه‌ی «نیوز آو د ورلد» را که در رسوایی هک کردن

تلفن‌ها دخیل بود، تعطیل کرده بودند بلکه خود امپراتوری هم به دو بخش نیوز کورپ و فاکس قرن بیست و یکم تقسیم شده بود. کمپانی‌ای که قصد داشت اسکای را بخرد، فاکس قرن بیست و یکم بود که روزنامه‌های این خانواده در زیرمجموعه‌اش نبودند. (یکی از ملاحظات آفکام خطر ایجاد انحصار رسانه‌ای برای مرداک‌ها از طریق اداری رسانه‌های متعدد بود.)

وکلائی کمپانی فاکس قرن بیست و یکم در ادامه نوشته بودند که اساساً فرهنگ حاکم بر این شرکت نسبت به زمان رسوایی هک شدن تلفن‌ها تغییر کرده است و «دستورالعمل‌های قدرتمندی، برای کنترل امور به کار گرفته شده تا از رعایت عالی‌ترین موازین در اداری امور اطمینان حاصل شود.» جیمز هم در یک جلسه‌ی تلفنی با تحلیل‌گران وال استریت گفت «ما بر این باوریم که این بار حتماً از موانع قانونی می‌گذریم.» یک عامل دیگر هم در میان بود که معامله‌ی خرید اسکای را جذاب‌تر می‌کرد.



نخست‌وزیر ترزا می در روز رأی‌گیری برای برگزیت
عکس: جسیکا تیلور/ژنیوا نیوز ایجنسی به واسطه‌ی ردکس

اگر معامله درست پیش می‌رفت، مرداک می‌توانست به لطف برگزیت مالکیت کامل اسکای را با تخفیف و با قیمت ۱۴ میلیارد و هشتصد میلیون دلار به دست آورد. دولت بریتانیا فلج شده بود و نمی‌توانست بر سر خروج از اتحادیه‌ی اروپا به توافق برسد. کمپانی‌های خارجی در حال ترک بریتانیا بودند و همین بازار اشتغال و اقتصاد کشور را بی‌ثبات کرده بود و در نتیجه ارزش پوند انگلیس و در نتیجه قیمت سهام اسکای به شدت پایین آمده بود.

فقط لازم بود که دولت بریتانیا معامله را تأیید کند. در حالی که قرارداد واگذاری اسکای یک بار دیگر پیش روی آفکام قرار داشت، جیمز کارزاری را شروع کرد تا حکومت بریتانیا را قانع کند که او و خانواده‌اش آن قدر قابل اعتمادند که می‌توانند مالک اسکای شوند.

۹-رفقای استرالیایی ترامپ

وقتی جیمز در بریتانیا پیگیر معامله برای کنترل کامل اسکای بود، لاکلان در آن سوی جهان و در شعبه‌ی استرالیایی کمپانی تحت مالکیت خودش در حال نهایی کردن معامله‌ای نسبتاً کوچک‌تر اما بسیار مهم برای خانواده بود تا کنترل یک شرکت تابع دیگر اسکای یعنی اسکای نیوز استرالیا را در دست بگیرد. امپراتوری مرداک همراه با دو شرکت رسانه‌ای استرالیایی به طور مشترک مالک اسکای نیوز استرالیا بودند که تنها شبکه‌ی کابلی خبری این کشور بود. مالکیت آن فرصتی بی‌نظیر برای تأثیرگذاری مرداک‌ها بر یک قاره‌ی دیگر بود.

شصت درصد بازار روزنامه‌های چاپی استرالیا نیز در دست هولدینگ‌های روزنامه‌ی مرداک‌ها بود که شامل یک روزنامه‌ی سهامی عام به نام «آسترلین» هم می‌شد و لاکلان به عنوان چهره‌ی سرشناس این امپراتوری روزنامه‌ای در این قاره، قدرت سیاسی زیادی داشت.

در دهه‌های قبل، روزنامه‌های مرداک به برکناری دو نخست وزیر استرالیا یعنی کوین راد و جولیا گیلارد کمک کرده بودند. واین سوان، وزیر دارایی کابینه‌ی گیلارد؛ به ما گفت وقتی دیده که حملات مرداک، به اقتصاد کشور ضربه می‌زند به سراغ لاکلان رفته و از او خواسته رویه‌اش را تغییر بدهد. لاکلان برای خودش، متحدانی هم دست و پا کرد. او به تونی ابوت، یکی از اعضای پارلمان، نزدیک شد که سیاست‌های دست‌راستی و سبک مقابله‌جویی‌اش سبب شده بود که او را مرتباً با نوت گینگریچ جمهوری‌خواه، رئیس سابق مجلس نمایندگان آمریکا، مقایسه کنند. کریس میشل، سردبیر پیشین روزنامه‌ی «آسترلیین»، در خاطراتش نوشته است که ابوت در دوران نخست‌وزیری‌اش از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵، قبل از ارائه‌ی لویحش به پارلمان، آنها را با سردبیران مرداک و گاهی با خود مرداک‌ها مطرح می‌کرد.

امپراتوری استرالیایی مرداک در حال گسترش به شبکه‌های خبری کابلی بود. بنگاه خبرپراکنی استرالیا، رسانه‌ی غالب در این کشور، مؤسسه‌ای بود که بودجه‌اش از طریق مالیات عمومی تأمین می‌شد و بر اساس الگوی بی‌بی‌سی راه‌اندازی شده بود. شیوه‌ی گزارش‌گری این شبکه هم مشابه بی‌بی‌سی، صریح و میانه‌رو بود. اسکای نیوز استرالیا که در نیوزلند هم پخش می‌شد برای این شبکه یک رقیب بالقوه به حساب می‌آمد اما مخاطبانش حتی در مقیاس استانداردهای استرالیا هم ناچیز بودند. اما این شبکه به لاکلان فرصت اعاده‌ی حیثیت داد. او بعد از جدایی از پدرش، ریاست شبکه‌ی فروپاشیده‌ی «۱۰» تلویزیون را به عهده گرفت. به‌رغم راه‌اندازی یک شوی رقص با حضور همسرش و یک برنامه‌ی هفتگی سیاسی با اجرای اندرو بولت، چهره‌ی جنجالی راست افراطی، تلاش‌های او برای حفظ این شبکه شکست خورد. بولت یادداشت‌نویس روزنامه‌ی «هرالد سان»، متعلق به مرداک بود که سال‌ها پیش در یک مهمانی امپراتوری فاکس در «پبل بیچ» کالیفرنیا لاکلان را مجذوب خود کرده بود. اندرو بولت در این مهمانی بعد از آن

که ال گور (نامزد انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ آمریکا و رقیب جورج بوش پسر) در مورد تغییرات اقلیمی اسلایدشویی را نشان داد با پرسش‌هایی پرخاش‌جویانه او را سؤال‌پیچ کرد.

زمانی که اندرو بولت مجری یک برنامه‌ی اختصاصی در شبکه‌ی ۱۰ شد به خاطر نوشتن مطلبی نژادپرستانه پرونده‌ای قضایی داشت. او در این یادداشت نوشته بود که بومیانی که پوستی روشن‌تر دارند، به خاطر منفعت شخصی خود را بومی جا می‌زنند. او در این پرونده به نقض قانون ممنوعیت تبعیض نژادی محکوم شد و ناشرش هم مجبور شد که با انتشار بیانیه‌ی بلندی، به توهین‌آمیز بودن این مطلب اذعان کند. مالکیت اسکای استرالیا، شانس دوباره‌ای به لاکلان می‌داد. در دسامبر ۲۰۱۶، کنترل کل شبکه‌ی اسکای استرالیا به دست مرداک‌ها افتاد اما هنوز معامله‌ی جیمز بر سر اسکای بریتانیا به سرانجام نرسیده بود. برنامه‌های اسکای نیوز، تا پیش از این از نظر سیاسی متعادل بودند. اما به محض این که مرداک‌ها قدرت را در دست گرفتند تحلیل‌های دست‌راستی را در ساعت‌های پربیننده افزایش دادند.

کمی پیش از این که معامله‌ی خرید اسکای استرالیا نهایی شود، اندرو بولت، مجری قدیمی شبکه‌ی ۱۰، هم برای تولید یک برنامه‌ی سیاسی شبانه به این شبکه دعوت شد. مرداک‌ها بلافاصله پس از خرید شبکه‌ی اسکای با کارولین مارکوس، یادداشت‌نویس روزنامه‌ی «دیلی تلگراف» سیدنی، به عنوان تحلیل‌گر، قرارداد امضاء کردند. کارولین مارکوس کسی بود که در نوشته‌هایش از ممنوعیت بورکیتی در فرانسه حمایت کرده بود و آن را تبعیض علیه سفیدپوست‌ها خوانده بود. راس کامرون، عضو پیشین پارلمان، هم یکی از دو مجری برنامه‌ای به نام «آوت‌سایدرز» در اسکای استرالیا شد. او روابط همجنس‌خواهانه را تقبیح می‌کرد و یک بار سخنران مراسمی بود که سازمان راست‌گرای برگزارکننده‌اش خود را پیشتاز اسلام‌ستیزی در استرالیا می‌خواند. او و مجری همکارش خود را «رفقای استرالیایی ترامپ» می‌خواندند و شوخی-جدی می‌گفتند در برنامه‌ی آنها

«هیچ توافقی رعایت نمی‌شود.» مارک لتام، مجری دوم این برنامه در پی اظهارنظرهای توهین‌آمیز، از جمله علیه دانش‌آموز دبیرستانی همجنس‌گرای که در یک ویدئو به مناسبت روز جهانی زن مشارکت کرده بود، از برنامه اخراج شد اما چنان شهرتی به هم زده بود که به عنوان یکی از اعضای «وان نیشن»، حزب راست افراطی ضد مهاجر، توانست وارد دولت ایالتی شود. کمی بعد از آن که لاکلان کنترل امور را در دست گرفت، پتا کردلین، مسئول دفتر سابق تونی ابوت و یک متحد قدیمی سیاسی او، مجری یک برنامه‌ی تلویزیونی در ساعات پربیننده‌ی این شبکه شد. او که هنوز هم رابطه‌ی نزدیکی با تونی ابوت داشت از تریبون برنامه برای کند شدن مقابله‌ی استرالیا با گرمایش جهانی و سخت‌گیرانه‌تر کردن سیاست‌های مهاجرتی استفاده می‌کرد و با موج سیاست‌های لیبرال نخست وزیر وقت، مالکوم تارن‌بال، رقیب تونی ابوت، مخالفت می‌کرد. این برنامه که به «اسکای بعد از تاریکی» (Sky After Dark) معروف شده بود، با حضور سنگین و یکپارچه‌ی تحلیل‌گران دست‌راستی، پدیده‌ی جدیدی در عرصه‌ی برنامه‌های تلویزیونی استرالیا به شمار می‌رفت. تعداد بینندگان شبانه‌ی این برنامه به مرور رو به فزونی گذاشت و هم‌زمان این شبکه به یکی از کانال‌های مهم برای طبقه‌ی سیاسی کشور تبدیل شد.

۱۰- تو اکشن دوست داری مگر نه؟

در ماه‌های اول سال ۲۰۱۷ به نظر می‌رسید که حضور موقت مرداک (قبل از انتخابات ریاست جمهوری و بعد از اخراج ایلس) دائمی شده است. او دو نفر از قائم‌مقام‌های وفادار ایلس را زیر دستش منصوب کرد: جک آپرنٹی، مدیر عملیات و بیل شاین، از دوستان نزدیک شان هنیتی که پیش از این فقط بر ترکیب تحلیل‌های شبکه نظارت می‌کرد و حالا مدیر کل اخبار شبکه شده بود.

استقلال رأی هیچ کدام تعریفی نداشت. یکی از مدیران رقیب بیل شاین لقب «پیش‌خدمت» به او داده بود چون در دوران مدیریت ایلس مدام

دوروبر او می‌پلکید تا خواسته‌هایش را برآورده کند. حتی در دوره‌ای که مرداک به دنبال ترفیع شاین بود، اتهام‌های فراوانی علیه او مطرح شد، که بعضی از آنها حتی در قالب دعوای حقوقی علیه ایلس اقامه شد. بر اساس این شکایت‌ها، در طول سال‌هایی که ادعا می‌شد ایلس به آزار جنسی زنان در شبکه دست می‌زده، شاین نه تنها از او محافظت کرده بلکه حتی امکان آزار را برایش فراهم کرده بود. (شاین ارتکاب هر نوع خطایی را تکذیب کرده است.) بعد از انتخابات، مرداک با شدت و حدت بیشتری به حمایت از ترامپ پرداخت. وقتی گرتا فن ساسترن از مجریان سابق سی‌ان‌ان برخلاف پیش‌بینی‌ها- به دلیل تفاوت ایدئولوژیک- از فاکس نیوز سردرآورد، مرداک مشتاقانه، ایده‌ی جایگزینی او را در برنامه‌ی ساعت هفت عصر تاکر کارلسون مطرح کرد. کارلسون از مجریان فاکس نیوز، نویسنده‌ی محافظه‌کار و بنیان‌گذار وبسایت دیلی کالر، در آستانه‌ی انتخابات ترامپ، در میان ملی‌گرایان سفیدپوست محبوبیت یافته بود.

مرداک همراه با جری هال همسرش، کارلسون را به صرف صبحانه-ناهار (برانچ) در نیویورک دعوت کردند و آنجا بود که مرداک تصمیم تازه‌اش را به کارلسون اطلاع داد. در اوایل سال ۲۰۱۷، وقتی مگان کلی بعد از بگومگو با ترامپ در جریان مناظره‌های انتخاباتی مشهور شد و فاکس نیوز را ترک کرد، مرداک به این نتیجه رسید که یک مجری ضدترامپ دیگر را جایگزین او نکند.

مرداک همچنین روابط نزدیکش را با کاخ سفید حفظ کرد. او و کوشنر پیش از این مدام با هم در ارتباط بودند اما حالا او با خود ترامپ هم دائماً در تماس بود. ترامپ از تماس‌های مرداک خوشش می‌آمد. او که پول و قدرت را ستایش می‌کرد از تحسین‌کنندگان مرداک بود. چند دهه بود که ترامپ هر وقت کمکی لازم داشت به مرداک تلفن می‌کرد. حالا که ترامپ رئیس‌جمهور شده بود، این مرداک بود که برای تماس پیش‌قدم می‌شد. یک مقام سابق کاخ سفید نقل می‌کند که صدای ترامپ را هنگام گفتگوی

تلفنی با مرداک در اتاق بیضی شنیده است: «روپرت، روپرت! تو جنجال رو دوست داری دیگه، نه؟ از این جنجال کیف می‌کنی!» ترامپ وقت زیادی را هم پای تلفن با هنتی صرف می‌کرد که معمولاً بعد از پایان برنامه‌ی زنده‌اش به رئیس جمهور زنگ می‌زد.



شان هنتی در حال مصاحبه با دونالد ترامپ
پیش از شروع یک سخنرانی انتخابی در لاس‌وگاس در سپتامبر ۲۰۱۸
عکس: اتان میلر/گتی ایمجز

از نظر ترامپ، هنتی زیاده از حد دنبال مقاصد خودش بود. به گفته‌ی یک مقام پیشین کاخ سفید، ترامپ مصاحبه‌های چالشی با بیل اورایی را ترجیح می‌داد و فکر می‌کرد که می‌تواند ستیزه‌جویی‌اش را در این برنامه بهتر نشان دهد. با این حال قدردان وفاداری هنتی هم بود. (بیل اورایی که از سال ۱۹۹۶ و از روز آغاز به کار فاکس نیوز کارش را در این شبکه شروع کرده بود در سال ۲۰۱۷ و پس از طرح اتهام آزار جنسی از این شبکه

اخراج شد.) شان هنیتی، مجری فاکس نیوز، عملاً به یکی از اعضای کارزار انتخاباتی ترامپ تبدیل شده بود. دو منبع که از گفتگوهای هنیتی و وکیل دونالد ترامپ خبر داشتند به ما گفتند او به مایکل کوهن وکیل شخصی رئیس جمهور اصرار کرده بود که در آستانه‌ی انتخابات حواسش به دوست دخترها و کارمندان سابق آقای ترامپ باشد تا در دسر درست نکنند. (هنیتی، از طریق یکی از سخنگویان فاکس نیوز این کار را تکذیب کرده است.) برنامه‌ی تلویزیونی او عملاً به رپرتاژ آگهی یک ساعته‌ی شبانه برای کارزار انتخاباتی ترامپ تبدیل شده بود.

تماشاچیان برنامه‌ی هنیتی، وفادارترین طرفداران ترامپ بودند. ایلس یک بار در گفت‌وگو با «نیویورک تایمز» گفته بود هنیتی برنامه‌ای را اداره می‌کند که فقط برای حلقه‌ی اصلی محافظه‌کاران سرسخت جذاب است. حالا او بزرگ‌ترین ستاره‌ی شبکه‌ی فاکس نیوز بود که عملاً جهت‌گیری و لحن سایر تحلیل‌گران فاکس را هم مشخص می‌کرد. برنامه‌ی او خیلی زود به جبهه‌ی مقابل جریان اصلی رسانه‌ها در پوشش اخبار ترامپ تبدیل شد. ایلس که در کار مشاوره‌ی رسانه‌ای باتجربه بود می‌دانست که موفقیت فاکس نیوز به معرفی‌اش به عنوان جایگزین اصلی رسانه‌های لیبرال بستگی دارد و حتی اگر گاهی اظهارنظرهای مجریان شبکه این تصور از فاکس را تضعیف می‌کرد ایلس آنها را مهار می‌کرد. او در عین حال بر این باور بود که پخش هر شبه‌ی برنامه‌های تک‌صدایی برای هیچ تلویزیونی خوب نیست و حواسش بود که مجریانی هم باشند که دست کم گاهی بنیادگرایی جمهوری‌خواهان را به چالش بکشند. اما این مسائل برای مرداک هیچ اهمیتی نداشت. بعضی از مجریان خبر زیر نظر او گاهی برنامه‌هایی اجرا می‌کردند که نقطه‌ی مقابل برنامه‌های تحلیلی فاکس نیوز مثل برنامه‌ی هنیتی بود. شپرد اسمیت در پوشش انتقادی اخبار ترامپ روز به روز تندتر می‌شد و «دروغ‌های پی در پی» دولت را باور نکردنی می‌خواند. کریس والاس از گویندگان فاکس به یکی از سرسخت‌ترین استیضاح‌کنندگان طرفداران و مقام‌های دولت ترامپ در

تلویزیون تبدیل شد و برت بایر با پوشش صریح اخبار اغلب خشم ترامپ را برمی‌انگیخت. اما برگ برنده‌ی شبکه، برنامه‌هایش در ساعات پربیننده بود و تا پاییز ۲۰۱۷ ترکیب این برنامه‌ها با حضور کارلسون در ساعت هشت، هنیتی در ساعت ۹ و لارا اینگرام، ستاره‌ی رادیویی، در ساعت ۱۰ به مراتب بیش از زمان ایلز از ترامپ طرفداری می‌کرد. همه‌ی اینها در برنامه‌ی صبحگاهی «فاکس اند فرنلنز» به هم می‌پیوستند، برنامه‌ای که ترامپ همیشه روزش را با آن شروع می‌کرد.

۱۱- مردم به تو اعتماد ندارند

سال‌ها پیش وقتی جیمز درگیر معامله‌ی اول و ناکامش برای خرید اسکای در بریتانیا بود، مداخله‌ی دولت را در امور رسانه‌ای این کشور به سخره گرفته بود و بی‌پی‌سی، رسانه‌ی ملی و پراعتبار آن را تک‌صدایی و ترسناک خوانده بود. او در سخنرانی‌اش در جشنواره‌ی سالانه‌ی بین‌المللی تلویزیون در ادینبورو گفته بود که «تنها ضامن مطمئن و بادوام و دائمی و همیشگی برای حفظ استقلال رسانه، منفعت است.» البته در بهار سال ۲۰۱۷ و در نشست بارهبران جامعه‌ی مدنی و اقتصاد در لندن لحنی آشفتگی‌جویانه‌تر داشت.

او این بار از بی‌پی‌سی تعریف کرد و منتقدان پیشینش را متقاعد کرد که به مقررات سرسختانه بریتانیا برای پوشش بی‌طرف اخبار احترام می‌گذارد. او در کنفرانس سالانه‌ای که کلیر اندرز، یک تحلیل‌گر رسانه‌ای و از منتقدان سرشناس معامله‌ی اول اسکای، برگزار می‌کرد از «شوق بهتر شدن» سخن گفت و وعده داد به گونه‌ای رفتار کند که با تصویری که از این کمپانی دارد و انتظاری که دیگران از آن دارند «همه‌هنگ باشد.»

با وجود این، درگیر و دار همین کارزار، رویکرد کمپانی خانوادگی جیمز یک بار دیگر معامله‌ی او را به خطر انداخته بود. در آوریل سال ۲۰۱۷ «نیویورک تایمز» گزارش داد که بیل اورایی، مجری فاکس نیوز، و خود

این شبکه برای حل و فصل اتهام آزار جنسی از سوی چند زن علیه اورایی ۱۳ میلیون دلار پرداخته‌اند و فاکس نیوز با این وجود یک بار دیگر قرارداد ۲۵ میلیون دلاری او را تمدید کرد. آفکام خیلی زود شکایت‌هایی از سوی قربانیان اورایی دریافت کرد. لیزا بلوم، وکیل شاکیان اورایی، رسوایی آزار جنسی در فاکس نیوز و جریان هک شدن تلفن‌ها را مستقیماً به هم ربط داد و نوشت «هر دو از فقدان نظارت، عدم مداخله و بی‌نزاکتی خبر می‌دهند.» پس از آن که جیمز و چندین مدیر ارشد دیگر کمپانی فاکس قرن بیست و یکم به خاطر فرهنگ حاکم بر کمپانی خود، در دفتر مرکزی آفکام در کنار رود تیمز، به شدت سؤال‌پییچ شدند، مرداک‌ها برای حفظ معامله‌ی اسکای به تقلا افتادند. آنها به سرعت اورایی را با پرداخت ۲۵ میلیون دلار بازخرید کردند. وقتی که شایعه‌ی اخراج بیل شاین، گماشته‌ی پیشین ایلس به عنوان نفر بعدی مطرح شد، هنییتی که می‌پنداشت دوست قدیمی و متحدش قربانی برنامه‌ی گسترش جهانی مرداک شده به حمایت از او پرداخت. او در حساب توئیترش، احتمالاً با اشاره به جیمز نوشت «کسی در فاکس نیوز و در صدر کار می‌خواهد یک آدم بی‌گناه را اخراج کند.» با وجود این، شاین هم از فاکس نیوز اخراج شد. سرانجام آفکام در ژوئن ۲۰۱۷ گزارشش را درباره‌ی معامله‌ی خرید اسکای توسط فاکس نیوز منتشر و توصیه کرد که یک سازمان ناظر دیگر هم معامله‌ی خرید اسکای را بررسی کند. قرار شد که مقام‌های سازمان رقابت و بازار (یک سازمان دولتی مسئول تقویت رقابت تجاری و جلوگیری از فعالیت‌های ضدرقابتی در بریتانیا) تصمیم بگیرند که آیا خرید اسکای نفوذ مرداک‌ها در رسانه‌های بریتانیایی را بی‌رقیب خواهد کرد یا نه؟ این تصمیم باعث تقلاهای بیشتر شد. مدیران فاکس برای جلوگیری از دردهای احتمالی بیشتر از سوی ناظران بریتانیایی به هنییتی گفتند در پوشش خبر مرگ ست ریچ، کارمند کمیته‌ی ملی دموکرات‌ها، از تندروی بکاهد. برنامه‌ی او به نظریه‌های توطئه‌آمیز و انتقاد گسترده‌ی عمومی دامن زده بود و

حتی به بایکوت آگهی تجاری از سوی یکی از مشتریان فاکس نیوز انجامیده بود.

(رسانه‌های راست‌گرا و به‌ویژه فاکس نیوز پس از مرگ ست ریچ نظریه‌های توطئه‌آمیز فراوانی مطرح کردند، از جمله این که او به خاطر درز اطلاعات کمیته‌ی ملی دموکرات‌ها به ویکی لیکس به قتل رسیده است، ادعاهایی که همگی رد شدند. پلیس مشکوک است که او در جریان یک سرقت مسلحانه گوله خورده باشد.)

مرداک‌ها در عین حال پخش فاکس نیوز در بریتانیا را متوقف کردند. این شبکه چند شکایت رسمی از «نامنصفانه و غیردقیق بودن محتوا» دریافت کرده بود. تحقیق جداگانه‌ی ناظران بریتانیایی حاکی از آن بود که شان هنیتی و تاکر کارلسون موازین بی‌طرفی بریتانیا را نقض کرده‌اند: هنیتی برای مسخره کردن منتقدان طرح محدودیت سفر مسلمانان به آمریکا، بدون این که تمام نظراتشان را منعکس کند یا به آنها فرصت پاسخگویی بدهد و کارلسون برای این که اجازه داده بود که نایجل فاراژ در برنامه‌اش این ادعای بی‌اساس را مطرح کند که مقام‌های بریتانیایی از «هزاران دختر زیر سن قانونی» در برابر تجاوز و سوءاستفاده‌ی مسلمانان محافظت نکرده‌اند.

در سپتامبر ۲۰۱۷ جیمز، که سخنان اصلی مجمع سالانه‌ی انجمن سلطنتی تلویزیون در کیمبریج بود، از فرصت استفاده کرد تا موضوع معامله‌ی اسکای را مطرح کند و از آرزوهای شخصی‌اش برای آینده‌ی رسانه‌ای جهانی صحبت کند که هنوز به مدیریتش امیدوار بود.

او در این سخنرانی به بعضی برنامه‌های خوش‌نام‌تر کمپانی فاکس قرن بیست و یکم مثل نشنال جئوگرافیک، افایکس، فاکس اسپورت و اسکای آتلانتیک اشاره کرد و توضیح داد که چطور این شبکه‌ها و سایر تولیدات این شرکت به بحران شیوع مواد مخدر، هویت جنسی و روابط نژادی پرداخته‌اند و روایت‌های قدرتمندی از برده‌داری در آمریکا، حق رأی زنان در پاکستان و عملیات تجسس و کشف مریخ ارائه کرده‌اند.

غایب اصلی در این فهرست و در تمام سخنرانی جیمز، یکی از مشهورترین برنده‌های کمپانی فاکس قرن بیست و یکم بود: شبکه‌ی خبری فاکس نیوز. در جلسه‌ی پرسش و پاسخ پس از سخنرانی، یکی از حاضران از او پرسید چرا تحقق معامله‌ی اسکای این قدر طول کشیده است. او پرسید: «سؤال من این است که آیا در این موضوع پیامی نهفته نیست؟ مثلاً این که شما مدیر ناظر بر فرهنگ فاسد حاکم بر نیوز اینترنشنال و فاکس نیوز هستید و مردم به شما اعتماد ندارند؟ فکر می‌کنید پیامشان این است؟» در نوامبر آن سال ائتلافی از اعضای دو حزب پارلمان با حضور در دفتر مرکزی سازمان رقابت و بازار در ساختمان ویکتوریا هاوس خیابان ساوث‌همپتون با مقام‌های این سازمان دیدار کردند و نگرانی‌های خود را در مورد معامله‌ی اسکای مطرح کردند. در صدر این گروه اد میلیبند، رهبر پیشین حزب کارگر و از حامیان قوانین ضدانحصاری رسانه قرار داشت که یکی دو سال پیش با مرداک‌ها، بگومگو کرده بود.

این بگومگو مربوط به زمانی بود که هفته‌نامه‌ی «سان»، از نشریات متعلق به مرداک علیه نامزدی او برای نخست‌وزیری بریتانیا سروصدا راه انداخته بود و او را «رد اد» (اد سرخ یا اد کمونیست) و «شیمفول میلی» (یعنی میلی مایه‌ی ننگ) خوانده بود. نمایندگان پارلمان بریتانیا در این جلسه انگشت روی پوشش خبری فاکس نیوز گذاشتند که نظریه‌ی توطئه‌آمیز مرگ ست ریچ دموکرات را رواج داده بود؛ علاوه بر این، فاکس نیوز ادعا کرده بود که در مناطقی از لندن قانون شریعت اسلام حاکم شده است. نمایندگان پارلمان هشدار دادند اگر مرداک‌ها کنترل کامل اسکای را در دست بگیرند، می‌توانند شبکه‌ی خبری آن یعنی اسکای نیوز را به نسخه‌ی بریتانیایی فاکس نیوز تبدیل کنند. مسئله‌ی نفوذ مرداک‌ها بر رسانه‌ها به ناچار بحث را به سمت مسئله‌ی میزان نفوذ این خانواده در سیاست بریتانیا کشاند. کن کلارک یکی از اعضای پارلمان گفت، «من روپرت را

می‌شناسم. اگر به هر کسی که او را می‌شناسد بگویید که روپرت، به خود رسانه علاقه دارد نه به تأثیر سیاسی رسانه در کشور، خنده‌اش می‌گیرد.» در ژانویه ۲۰۱۸ سازمان رقابت و بازار رأی خود را درباره مالکیت کمپانی فاکس قرن بیست و یکم بر اسکای صادر کرد: مالکیت کامل مرداک‌ها بر اسکای به این خانواده «قدرت زیادی می‌دهد تا ارائه‌دهندگان خبر در بریتانیا در تریبون‌هایی از قبیل تلویزیون، رادیو، آنلاین و روزنامه‌ها را کنترل کنند و به همین علت از قدرت زیادی برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و جهت‌گیری سیاسی کشور بهره‌مند خواهند شد.» رأی سازمان رقابت و بازار یک جواب رد تمام‌عیار بود، حکمی نهایی که حضور تک‌تک اعضای خانواده‌ی مرداک را در هر مقام و منصبی در اسکای ممنوع می‌کرد، حتی در هیئت مدیره‌ی آن. این پاسخ ضربه‌ی بسیار سختی به جیمز بود که در آن زمان رئیس اسکای بود. این حکم مهر تأییدی بود بر این نظر لاکلان که جیمز آدم مناسبی برای رهبری کارزار معامله‌ی اسکای نیست. از نظر او، جیمز افکار عمومی را به یاد رسوایی هک تلفن‌ها و تمام خصومت‌هایی می‌اندازد که بابت آن علیه مرداک‌ها به پا شده بود. به نظر جیمز اما این شکست دیدگاه خودش را تأیید می‌کرد که امپراتوری خانوادگی مرداک‌ها از دست سیاست‌بازی و فرهنگ حاکم بر آن جان سالم به در نخواهد برد.

۱۲- و لاکلان؟

در اوایل اوت ۲۰۱۷ روپرت مرداک، روپرت آ. آیگر، مدیرعامل دیزنی را به تاکستان ۲۸ میلیون دلاری‌اش دعوت کرد که به سبک توسکانی و روی تپه‌های بل ایر در موراگای کالیفرنیا ساخته شده و به او گیلاسی شراب تعارف کرد. این دو غول در این دیدار درباره‌ی نسل تازهی غول‌های فناوری‌ای دردودل کردند که هر دویشان را تهدید می‌کرد و درباره‌ی راه‌های مقابله با آن صحبت کردند. دیزنی در عین حال به دنبال توسعه بود. گفت‌وگو درباره‌ی ادغام بعضی از دارایی‌هایشان خیلی زود به ایده‌ی

بزرگ‌تری رسید: ایده‌ی فروش فاکس قرن بیست و یکم به دیزنی. همان استودیوی هالیوودی‌ای که مرداک در سال ۱۹۸۵ از چنگ ماروین دیویس، تاجر کرادویی نفت، درآورده بود. مرداک ۶۵ سال همواره در حال گسترش امپراتوری‌اش بود و حالا داشت به کوچک کردن امپراتوری‌اش فکر می‌کرد، کاری که هیچ کس تصور نمی‌کرد از او سر بزنند.



جیمز مرداک (چپ) با روبرت آیگر، مدیرعامل دیزنی در سال ۲۰۱۲
عکس: دیوید پل موریس/بلومبرگ، از گتی‌ایمجز

این کار به نوعی اعتراف به شکست هم بود. جاه‌طلبی‌های مرداک سرانجام به دلیل ناکامی‌ها و شکست‌های خودش نقش برآب شد: نزاع‌های خانوادگی، از هم پاشیدگی فاکس نیوز و رسوایی اسکای نیوز. با وجود این، مرداک طرحی تازه داشت. او می‌خواست استودیوی هالیوودی‌اش را که دو سوم سود کمپانی از آنجا می‌آمد واگذار کند اما ابزارهای اصلی تأثیرگذاری‌اش، یعنی روزنامه‌ها و فاکس نیوز را نگه دارد. جیمز آنها را ترک می‌کرد و احتمالاً همراه با کمپانی فاکس قرن بیست و یکم به دیزنی می‌رفت و مرداک و لاکلان با هم بخش کوچک‌تر و

ترسناک‌تر کمپانی را مثل یک کشتی دزدان دریایی به پیش می‌بردند. این تصمیم نه فقط ضرورتی تجارتي بلکه ضرورتی خانوادگی بود. ایده‌ی سرپرستی مشترک امپراتوری، موفق از آب درنیامده بود.

برای مدیران ارشد کمپانی واضح بود که کدام یک از پسرها محبوب مرداک است. در جلسات اداری وقتی لاکلان صندلی‌اش را به طرف پدرش می‌کشید، گل از گل مرداک می‌شکفت. مدیران فاکس خیلی زود فهمیدند که برای پرسش‌ها و درخواست‌هایشان سراغ کدام یک از پسرها بروند. (هر بار مدیران به مرداک می‌گفتند با جیمز درباره‌ی موضوعی صحبت کرده‌اند مرداک می‌گفت «با لاکلان چطور؟»)

از نظر جیمز، برادرش لاکلان بیشتر از زرق و برق و مزایای منحصر به فرد شغلش لذت می‌برد و همین طور قدرتی که این شغل به او داده بود. وقتی لاکلان روی صحنه‌ی قدیمی یکی از استودیوها یک دیوار صخره‌نوردی نصب کرد و برای خودش محافظ شخصی استخدام کرد خون جیمز به جوش آمد. در مقابل لاکلان هم از پافشاری جیمز بر اصول اداره‌ی کمپانی حرص می‌خورد و معتقد بود که این کار با روحیه‌ی تهور طلب کمپانی همخوانی ندارد.

ریاست جمهوری ترامپ هم به شکاف میان دو برادر دامن زد. نارضایتی جیمز از فاکس نیوز روز به روز بیشتر می‌شد. او با ایده‌ی شبکه‌ی خبری محافظه‌کار مخالف نبود اما به این که فاکس نیوز در ساعات پر بیننده‌اش به یک اسلحه‌ی سیاسی عاری از استانداردهای حرفه‌ای روزنامه‌نگاری تبدیل شده بود، معترض بود، به این که این شبکه هیچ ارزشی برای حقیقت قائل نبود و به صورت خودکار از لفاظی‌های رئیس جمهور دفاع می‌کرد. وقتی ترامپ در اوایل سال ۲۰۱۷ فرمان داد که مهاجرت شهروندان چند کشور عمدتاً مسلمان به آمریکا ممنوع شود، جیمز پدرش و لاکلان را وادار کرد یادداشتی بنویسند و به کارمندان مسلمان‌شان در ایالات متحده و خارج از آن قوت قلب بدهند.



روبرت مرداک و پسرش لاکلان در آدلاید در سال ۲۰۰۳
برایان چارلتون/فیرفکس مدیا از گتی/ایمجز

جیمز می‌خواست این متن به صراحت و وضوح مخالفت آنها را با این سیاست نشان بدهد و به کارکنانی که ترسیده بودند اطمینان دهد که کمپانی برای حمایت از آنها هرکاری بتواند انجام خواهد داد. لاکلان در عوض می‌خواست یادداشت جبهه‌گیری چندانی نداشته باشد و به طور مشخص از ترامپ و فرمان موسوم به «ممنوعیت ورود مسلمانان» نام نبرد، فرماتی که مجریان فاکس نیوز هر شب در برنامه‌هایشان از آن دفاع می‌کردند. حتی گرفتن تأییدیه‌ی لاکلان برای نسخه‌ی تلطیف‌شده‌ی آن یادداشت چنان سخت بود که جیمز بعداً به طور خصوصی گفت انگار قرار بود دندان لاکلان را بکشیم.

چند ماه بعد وقتی ترامپ دو طرف دعوا را در خشونت‌های تظاهرات راست‌های افراطی شارلوتزویل ویرجینیا، سرزنش کرد و گفت در بین راست‌های افراطی هم «آدم‌های خیلی خوبی» وجود دارند، کترین به

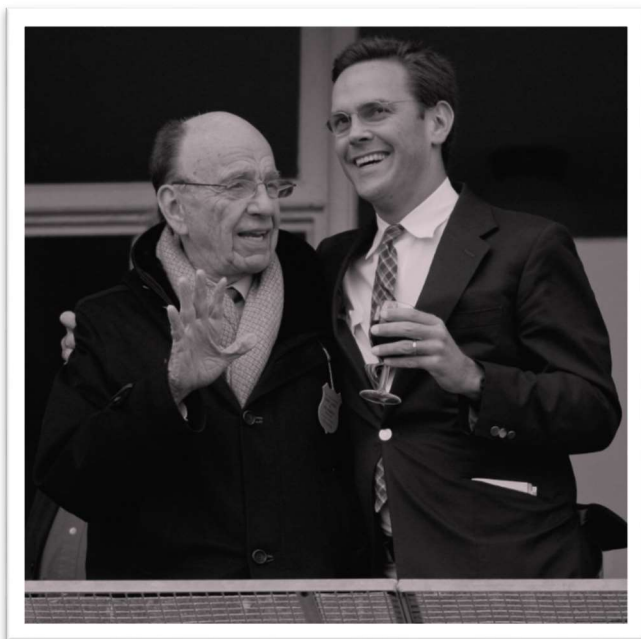
جیمز اصرار کرد که بدون مشورت با برادر و پدرش نامه‌ی سرگشاده‌ی خودشان را در مخالفت با این موضوع بنویسند. یک نفر که در جریان گفت‌وگوی جیمز و کاترین در این زمینه بوده به نقل از کاترین به ما گفت «اگر ما امروز درباره‌ی تظاهرات نازی‌های لعنتی در ویرجینیا حرف زنیم پس کی قرار است حرف بزنینم؟» بر اساس قانون نانوشته‌ی خانواده‌ی مرداک، کاترین نارضایتی‌هایش درباره‌ی شبکه‌ی فاکس نیوز و کسب و کارشان را درون خانواده نگه می‌داشت. اما نظرات بعضی مجریان فاکس نیوز در ستایش راست‌های افراطی در جریان ظهور ترامپ، کاسه‌ی صبرش را لبریز کرده بود.

سروکله‌ی این دلزدگی کاترین از کسب و کار خانواده گاهی در حساب توئیترش پیدا می‌شد. او در واکنش به توئیتهای دیوید هاگ، از فعالان کنترل اسلحه و از بازماندگان تیراندازی بارکلند (که سال ۲۰۱۸ در جریان آن در فلوریدا ۱۷ دانش‌آموز کشته شدند)، چند توئیتهای همدلانه نوشت. لارا اینگرام، مجری فاکس نیوز، قبلاً دیوید هاگ را به خاطر رد شدن در امتحان کالج به سخره گرفته بود. در مقابل دیوید هاگ، کارزاری راه انداخت تا شرکت‌ها، تبلیغات در برنامه‌ی اینگرام در فاکس نیوز را بایکوت کنند. کاترین همچنین از جمهوری‌خواهانی مثل بیل کرستول که ترامپ هرگز او را نمی‌پسندید و فاکس نیوز را ترک کرده بود، حمایت می‌کرد. کاترین همچنین یک بار در حساب توئیترش یکی از مطالب منتشر شده در «واشننگتن پست» را ستود که نویسنده‌اش تذکر داده بود که وب‌سایت دیلی استارمر، متعلق به نئونازی‌های آمریکا، از تاکر کارلسون، مجری فاکس نیوز، تقدیر کرده و در این وب‌سایت نوشته است که کارلسون در برنامه‌اش «همه‌ی فکرها و ایده‌های ما را پوشش می‌دهد.» آزرده‌ی خاطری که طی دو سال و نیم میان جیمز و لاکلان به آرامی افزایش یافته بود در پاییز ۲۰۱۸ به حد انفجار رسید، زمانی که معامله‌ی دیزنی اول محتمل و بعد قطعی شد.

۱۳- تو دیگر چنین پسری نخواهی داشت

جیمز بی‌درنگ ایده‌ی فروش استودیوی فاکس قرن بیستم به دیزنی را مفری برای بیرون رفتن از تجارت خانوادگی و راهی برای دسترسی به بزرگ‌ترین شغل ممکن در عالم رسانه تلقی کرد. او در قراردادهای ناهار و جلسات جداگانه، سر صحبت را با روبرت آیگر، رئیس دیزنی، باز کرد و از جمله درباره‌ی نقش خودش در آینده‌ی کمپانی دیزنی هم حرف زد. آیگر با هفتاد سالگی فاصله‌ی زیادی نداشت و قراردادش در تابستان ۲۰۱۹ تمام می‌شد و کمپانی هنوز جانشینی برایش معرفی نکرده بود. اگر جیمز در سلسله‌مراتب مدیریتی دیزنی شغلی برای خودش دست و پا می‌کرد، می‌توانست در مسیر درستی برای رسیدن به کرسی مدیر کلی قرار بگیرد. رؤیای دیرینه‌ی جیمز این بود که مدیریت امپراتوری خانوادگی‌اش را در دست بگیرد اما دیزنی، در صورت ادغام با کمپانی فاکس قرن بیست و یکم، سه برابر امپراتوری خانوادگی مرداک و به بزرگ‌ترین غول رسانه‌ای در جهان تبدیل می‌شد. کمپانی‌ای که هیچ ایدئولوژی‌ای نمی‌توانست از رشد و توسعه‌اش جلوگیری کند. جیمز خیلی سریع در گفت‌وگو با اعضای هیئت مدیره‌ی کمپانی فاکس قرن بیست و یکم حمایت آنها را جلب کرد.

لاکلان عصبانی بود. این امپراتوری‌ای بود که پدرش سه سال پیش برای مدیریتش او را از استرالیا به آمریکا کشانده بود. امپراتوری‌ای که یک عمر برای ساختنش وقت صرف شده بود و حالا پدرش قصد داشت آن را از بین ببرد. او معتقد بود که فاکس قرن بیست و یکم به اندازه‌ی کافی بزرگ هست که بتواند مثل سابق در صحنه‌ی رقابت بماند. اگر کمپانی فاکس قرن بیست و یکم با دیزنی ادغام می‌شد بخش کوچک‌تر امپراتوری که برای او می‌ماند شامل شبکه‌ای با مخاطبان پیر در عالم تلویزیون‌های رو به انقضای کابلی بود که به زحمت پیش می‌رفت.



روپرت مرداک و پسرش جیمز در انگلیس در سال ۲۰۱۰
عکس مامبی ایندیگوازگتی/ایمجز

با پیشرفت مذاکره با آیگر، مخالفت لاکلان جدی‌تر شد. او به افراد نزدیکش گفته بود اصلاً چرا باید چنین شرکتی را اداره کنم؟ سه نفر از شاهدان به ما گفته‌اند که شبی در پاییز ۲۰۱۷ در منهتن، آتش خشم لاکلان علیه پدرش به جوش آمد و او را تهدید کرد که «اگر به یک تلفن دیگر درباره‌ی این توافق جواب بدهی دیگر پسری نخواهی داشت. هرگز با تو حرف نخواهم زد.» (سخنگویان مرداک و لاکلان چنین تهدیدی را انکار کرده‌اند.) در جریان تهیه‌ی این گزارش ما با ده‌ها نفر صحبت کردیم که درباره‌ی مذاکرات با دیزنی اطلاعات دست اول داشتند.

حاصل این گفتگوها دو روایت به شدت متفاوت از فصل بعدی در کتاب زندگی خاندان مرداک بود. نزدیکان جیمز می‌گویند لاکلان که حش را در خطر پایمال شدن می‌دید تلاش کرد که زیرآب این توافق را بزند و حتی یکی از شرکت‌های رقیب را ترغیب کرد که برای معامله‌ای مشابه با پیش بگذارد اما این شرکت به اندازه‌ی دیزنی خواهان کمپانی قرن بیست و یکم نبود. نزدیکان لاکلان می‌گویند این جیمز بود که می‌خواست برای تحقق بلندپروازی‌های حرفه‌ای خود معامله را پیش ببرد و آماده بود که نتیجه‌ی یک عمر زندگی پدرش را به مبلغی کمتر از ارزش واقعی‌اش بفروشد. به گفته‌ی آنها این نظر لاکلان زمانی تأیید شد که پدرش به او گفت یک بانک‌دار دریاره‌ی این معامله با او تماس گرفته و گزارش داده که جیمز در تلاش است که مقام آینده‌ی خود در دیزنی را به بخشی از مذاکرات فروش تبدیل کند. مرداک شخصاً به روبرت آیگر اطمینان داد که چنین چیزی واقعیت ندارد. (افراد نزدیک به جیمز می‌گویند که هیچ تلاشی برای مشروط کردن معامله به مقام آینده‌ی جیمز صورت نگرفته و اولویت جیمز عقد بهترین توافق برای خانواده و سهام‌دارانش بود.) بلبشوی خانواده‌ی مرداک و ناکارآمدی ناشی از آن از چشم آیگر پنهان نبود. او جیمز را به عنوان مدافع قدرتمند این معامله در طول مذاکرات همیشه کنار خودش نگه داشت اما هیچ وقت قول سمت ارشدی را به او نداد، و علناً فقط می‌گفت موضوع را بررسی خواهد کرد. در اکتبر ۲۰۱۷ نزدیک بود که این معامله به هم بخورد. بر اساس مستندات کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا مرداک در این تاریخ با آیگر تماس گرفت تا بگوید برآورد دیزنی از ارزش کمپانی «کافی نیست» و مذاکرات باید متوقف شود. اما گفت‌وگوها در لندن ادامه پیدا کرد. آیگر برای مراسم افتتاحیه‌ی فیلم «جنگ ستارگان: آخرین جدای»، یکی از فیلم‌های کمپانی دیزنی بود، به لندن آمده بود تا در دیدار با مرداک مسائل را حل و فصل کند. در ۱۳ دسامبر ۲۰۱۷ آنها رقم ابتدایی معامله را اعلام کردند: ۵۲ میلیارد دلار.



دونالد ترامپ در نخستین مناظره‌ی دور مقدماتی میان جمهوری خواهان ۲۰۱۵
اندرو هارر/ بلومبرگ از گتی ایمجز

عکسی از آیگر و مرداک همراه بیانیه‌ای از این توافق منتشر شد که آنها را روی پشت بام ساختمانی در لندن در حالی نشان می‌داد که دست‌هایشان را به طرزی غریب بر شانه‌های هم گذاشته بودند. کلیسای جامع سنت پل در پس‌زمینه دیده می‌شد. تصویر غریبی بود: غولی که چند قطبی‌ترین و پرتنش‌ترین برند سیاسی کشور را ساخته بود در کنار رئیس شرکت خوشه‌ای بزرگی ایستاده بود که نامش مترادف اعتدال و آرامش بود. مدت‌ها بود که در خود امپراتوری مرداک، ناهماهنگی فاکس نیوز و کمپانی فاکس قرن بیست و یکم دستمایه‌ی شکایت‌های غیررسمی و شوخی و کنایه بود: در مجموعه‌ی تلویزیونی سیمپسون‌ها که در کمپانی فاکس قرن بیست و یکم تولید می‌شد خبرهای فاکس نیوز مسخره می‌شد. در این مجموعه‌ی تلویزیونی یک بار سرخط خبرهای فاکس نیوز

این بود که «آیا دموکرات‌ها باعث سرطان می‌شوند؟» و «بر اساس یک تحقیق ۹۲ درصد دموکرات‌ها همجنس‌گرا هستند.»

در مواردی مثل پوشش خبری درگیری‌های شارلوتزویل، گردانندگان برنامه‌ها در ساحل غربی (مقر کمپانی فاکس قرن بیست و یکم) وقتی می‌دیدند که مجری‌های فاکس نیوز موضعی اهانت‌آمیز می‌گیرند به مرداک‌ها فشار می‌آوردند که کنترل امور در فاکس نیوز را در دست بگیرند. اما در دوران ترامپ، با بالا گرفتن تلاش مجریان فاکس نیوز برای دامن زدن به هیاهوی ضد مهاجرت و ضد رنگین پوستان، مواجهه با این موارد برای خیلی از مدیران فاکس قرن بیست و یکم به امری روزانه تبدیل شد. حالا راه برای معامله‌ای باز شده بود که فاکس قرن بیست و یکم را با شرکتی مشهور به پرهیز عامدانه از سیاست ادغام می‌کرد. اما فاکس نیوز هم با این معامله از شریکی از موانع درون سازمانی خود راحت می‌شد و می‌توانست هر آنچه که مخاطبانش می‌خواهند به خوردشان بدهد.

فصل سوم

اسلحه‌ی تازه‌ی فاکس

۱۴- خیرت می‌کنم

درست در همین زمان بود که مرداک ۸۶ ساله، در میانه‌ی بزرگ‌ترین معامله‌ی تاریخ زندگی حرفه‌ای، در حال رفتن به دست‌شویی روی کشتی تفریحی پسرش لاکلان لیز خورد و ناچار به لس‌آنجلس منتقل شد. در آغاز سال ۲۰۱۸ فرزندان مرداک در حالی به مرکز پزشکی رونالد ریگان دانشگاه لس‌آنجلس می‌رفتند که از خود می‌پرسیدند آیا این آخر کار است یا نه. لاکلان و همسرش سارا بقیه‌ی اعضای خانواده را در لندن دیدند. الیزابت و شوهرش کیث تایسون از لندن آمده بودند و جیمز و کترین از نیویورک. جراحی مرداک موفقیت‌آمیز بود. کمی بعد از ورود فرزندان، وضعیت جسمی او تثبیت شد. او که از پای مرگ برگشته بود به شوخی گفت وقتی همه‌ی فرزندان را دور تختش جمع دید تازه متوجه وخامت وضعش شد.

مرداک چند ماه بستری بود اما بر اوضاع مسلط بود و امور را از اتاق خوابش در موراگا مدیریت می‌کرد. ای میلی از او خطاب به مدیران ارشدش به دست گابریل شرمین از نشریه‌ی «وونیتی فیر» افتاده است که این حادثه را «تصادف قایق‌سواری» توصیف کرده و گفته است که مدتی از خانه کار خواهد کرد. مرداک نوشته بود، «در عین حال من با ای‌میل، تلفن و پیامک با شما در تماس خواهم بود.»



لاکلان مرداک (وسط) در استرالیا در سال ۲۰۰۶
عکس از جک آتلی/بلومبرگ از گتی‌ایمجز

مذاکرات ادامه پیدا کرد و همزمان لاکلان و جیمز داشتند با واقعیت‌های جدید زندگی کنار می‌آمدند. جیمز که نتوانسته بود آینده‌ی شغلی مورد نظرش را در دیزنی تضمین کند و از آن طرف از فرهنگ سلسله‌مراتبی

خانواده‌اش گریزان شده بود، به گفته‌ی سه نفر از نزدیکانش، در همان زمستان تصمیم گرفت که دیگر مدیریت دارایی‌های خانوادگی را دنبال نکند. به این ترتیب، لاکلان بقایای امپراتوری مرداک را بدون مزاحمت برادرش اداره می‌کرد.

در اوایل ژوئن سال ۲۰۱۸ پیش از قطعی شدن آخرین مراحل معامله سر و کله‌ی یک مشتری دیگر پیدا شد. برایان رابرتز، مدیرعامل کامکست، به مرداک پیشنهاد داد که کمپانی فاکس قرن بیست و یکم را ۶۵ میلیارد دلار بخرد، ۱۲ میلیارد و ششصد میلیون دلار بیشتر از رقم پیشنهادی دیزنی. سه نفر که با روحیات مرداک آشنایی دارند، می‌گویند او نمی‌خواست فاکس را به کامکست بفروشد و به دلایل مختلف از جمله علاقه‌ی شخصی‌اش به آیگر که او را رهبری پی‌باک می‌دانست دیزنی را ترجیح می‌داد. علاوه بر این، پیشنهاد کامکست نقد بود که می‌توانست برای مرداک در دسر مالیاتی بزرگی ایجاد کند. با وجود این، از جنگ بر سر این معامله خوشش می‌آمد. در عین حال، امیدوار بود که با کشیده شدن پرونده‌ی ادغام دو شرکت ای‌تی‌اند تی و تایم وارنر در وزارت دادگستری آمریکا هم به بالاترین قیمت پیشنهادی برسد و هم به مشتری مورد علاقه‌اش.

علاقه‌ی کامکست به فاکس قرن بیست و یکم به مرداک امکان داد که دیزنی قیمت پیشنهادی را تا ۷۱ میلیارد و سیصد میلیون دلار افزایش دهد. آیگر و تیمش شخصاً به لندن رفتند و این قیمت را که امیدوار بودند پیشنهاد آخرشان باشد به مرداک ارائه کردند. آنها نگران از این که کامکست پرواز هواپیماهای شخصی از آمریکا به لندن را رصد کند از راه ایرلند به لندن رفتند. مرداک دیزنی را در چنگ خود داشت.

کمر مرداک بهتر شده بود و توانست در در ژوئیه‌ی ۲۰۱۸ در کنفرانس رسانه‌ای آلن و کمپانی در سان ولی ایالت آیداهو شرکت کند. برایان رابرتز از کامکست و روبرت آیگر از دیزنی هم آنجا بودند و مرداک که خودش را یک بار دیگر در کانون تحولات می‌دید، از شادی در پوستش

نمی‌گنجید. تنها مشکل این بود که اگر کامکست پیشنهاد بالاتری ارائه می‌داد مجبور می‌شد که هیئت مدیره را در جریان بگذارد و احتمال پذیرش آنها هم وجود داشت. مرداک نمی‌خواست مشتری محبوبش به کامکست ببازد.

وزارت دادگستری ترامپ به نجات مرداک آمد و در حکم یک دادگاه فدرال درباره‌ی پرونده‌ی ای‌تی‌اندتی و تایم وارنر تجدیدنظر کرد. این پرونده ظاهراً به کامکست ربطی نداشت اما سابقه‌ی گرفتاری کامکست با بازرسان دولتی فرصت پذیرفتن پیشنهاد تازه‌ی آیگر را فراهم می‌کرد چون کامکست حالا پرمخاطره به نظر می‌رسید.

هیچ سند و مدرکی وجود ندارد که نشان دهد وزارت دادگستری منافع مرداک را در روند تصمیم‌گیری‌اش در نظر گرفته است. اما در هر صورت این کار به نفع او تمام شد: از فروش کمپانی‌اش ۲۰ میلیارد دلار بیشتر نصیبش شد و کماکان آن را به مشتری مورد علاقه‌اش فروخت. سود شخص مرداک از معامله‌ی نهایی حدود چهار میلیارد دلار می‌شد و رقم ثروتش را به ۱۸ میلیارد دلار می‌رساند. به هر کدام از شش فرزندش دو میلیارد دلار می‌رسید. سهم لاکلان و جیمز بیشتر هم می‌شد. هر کدام معادل بیست میلیون دلار سهام دیزنی و مزایای پایان کار به ارزش ۷۰ میلیون دلار دریافت می‌کردند. با این حال، هیچ کدام به آن چه که واقعاً می‌خواستند دست نمی‌یافتند.

۱۵- «معامله‌ای که برای کشور خوب نیست»

امپراتوری‌های رسانه‌ای بر اساس تهور و آینده‌نگری رهبران‌شان، و بر اساس توانایی آنها برای پیش‌بینی و پذیرفتن تحولات ناگهانی در صنعتی دائم‌التغییر به وجود می‌آیند. اما بنیان این امپراتوری‌ها بر اساس مفهومی ملموس‌تر بنا نهاده می‌شود: مقررات دولتی.

بیش از هر چیز جابجایی مرزها، برداشتن محدودیت‌ها و بازنویسی مقررات است که اجازه می‌دهد غول‌های رسانه‌ای تجارتشان را به

امپراتوری تبدیل کنند. این تصمیم‌گیری‌ها همواره عاری از شفافیت است، محصول هزارتوی فرایندهای دیوان‌سالارانه و تعریف مناقشه‌انگیز «منافع عمومی». در دوران ریاست جمهوری ترامپ این تصمیم‌ها همیشه به نفع مرداک رقم خورده است.

معامله‌ی شرکت تایم وارنر-ای‌تی‌اند‌تی نمونه‌ی خوبی از ابهامات این روند دیوان‌سالارانه است. جریان کاملاً به نفع مرداک بود اما ترامپ هم دلایل خود را برای جلوگیری از جوش خوردن این معامله داشت. تایم وارنر صاحب سی‌ان‌ان بود، رسانه‌ای که ترامپ مرتباً با آن درگیر می‌شد. رییس جمهوری معامله را خلاف منافع کشور خواند و به طور خصوصی از گری کوهن، مشاور ارشد امور اقتصادی‌اش خواست که جلوی این معامله را بگیرد. (ماجرای این مکالمه را اولین بار «نیویورک تایمز» فاش کرد.)

معامله‌هایی شبیه این که «ادغام عمودی» دو کمپانی در حوزه‌های تجارتي متفاوت‌اند، به ندرت زیر ذره‌بین سخت‌گیرانه قوانین ضد تراست می‌روند. با وجود این، وزارت دادگستری ترامپ برای جلوگیری از جوش خوردن این معامله، پرونده‌ی ادغام این دو کمپانی را به دادگاه برد. چنین اقدامی از سوی دولت در چهل سال گذشته آمریکا بی‌سابقه بود. ماکان دل‌رحیم، مامور اداره‌ی ضدتراست در وزارت دادگستری آمریکا که پیش از آن به صورت علنی گفته بود مشکل قانونی در ادغام این دو شرکت نمی‌بیند، از جانب دولت مسئول تشکیل پرونده علیه این معامله شد.

وقتی ریچارد لئون قاضی فدرال، پرونده‌ی تشکیل‌شده از سوی وزارت دادگستری را رد کرد و اصلی‌ترین ادعای آنها را «سست‌تر از تار عنکبوت» خواند، دولت باز هم تقاضای تجدیدنظر کرد، درست به موقع، تا مانع پیشنهاد بعدی کامکست برای خرید فاکس قرن بیست و یکم شود. این روند دو سال طول کشیده بود.



روپرت آیگر مدیرعامل دیزنی در حال گفت‌وگو با خبرنگار حوزه‌ی سرمایه‌گذاری
فاکس نیوز در سال ۲۰۱۳ - عکس از مایکل لوسیانو/گتی ایمجز

در نقطه‌ی مقابل این روند طولانی، معامله‌ی فروش فاکس قرن بیستم و یکم به دیزنی به سرعت تأیید شد. حاصل این نوع توافق- «ادغام افقی» بزرگ‌ترین استودیوی هالیوود با سومین استودیوی بزرگ هالیوود- شرکتی بود با قدرتی تقریباً انحصاری در افزایش قیمت برای مصرف‌کنندگان و محدود کردن انتخاب آنها.

معمولاً در چنین توافقی‌هایی پای بررسی موشکافانه‌ی حکومت به میان می‌آید اما وزارت دادگستری تنها پس از شش ماه آن را تأیید کرد. (مدیران فاکس این سرعت را مدیون آمادگی کامل و دقیق پیشاپیش مدیران می‌دانند.)

ترامپ بعد از تماس با مرداک و اطمینان یافتن از این که این معامله تأثیری بر فاکس نیوز نخواهد گذاشت آن را تأیید کرد. سارا هاکبی سنדרز، سخنگوی ترامپ، واکنش رئیس‌جمهور به این معامله را چنین توصیف کرد: «برای اشتغال‌زایی فوق‌العاده خواهد بود.» اما برآورد

تحلیل‌گران وال استریت این بود که هزاران نیروی کاری در نتیجه‌ی این توافق تعدیل خواهند شد.

ابهام روند نظارتی دولت بر یک معامله‌ی دیگر تاثیر چشمگیری بر امپراتوری مرداک داشت. در بهار ۲۰۱۷ ماه‌ها پیش از شروع مذاکرات مرداک با آیگر، بنگاه سخن‌پراکنی آمریکایی سینکرا با خرید شرکت خوشه‌ای تریبون میدیا به قیمت سه میلیارد و نهصد میلیون دلار موافقت کرد. سینکرا پیش از آن هم بزرگ‌ترین مالک ایستگاه‌های تلویزیونی محلی کشور بود و در عین حال سخت هوادار ترامپ. این ایستگاه‌های محلی تلویزیونی که بسیاری‌شان در ایالت‌های بلاتکلیف در حوزه‌ی انتخاباتی بودند، و از کارزار انتخاباتی ترامپ در پوشش خبری خود طرفداری می‌کردند. دست‌کم بخشی از این جانبداری حاصل قرار و مدار شخصی جرد کوشنر، داماد ترامپ با دیوید اسمیت، مدیر بنگاه سینکرا بود. مرداک به شدت نگران رشد این شرکت بود.

با این معامله، سینکرا که کانال‌های تلویزیونی‌اش در ۳۹ درصد از خانه‌های آمریکایی‌ها حضور داشت، حالا می‌توانست بازاری هفتاد درصدی برای خودش بسازد. در کنار این، حالا تریبون، صاحب شبکه‌ی کابلی دابل‌یوجی‌ان (WGN) هم می‌شد که شبکه‌ای با پتانسیل زیاد بود. این شبکه به حدود ۸۰ میلیون خانه دسترسی داشت و می‌توانست به آسانی به یک شبکه‌ی خبری دست‌راستی و رقیبی حاضر و آماده برای فاکس تبدیل شود. مرداک به همکارانش گفت نگران است که سینکرا اورالی را به عنوان چهره‌ی جذاب و رقیب فاکس نیوز استخدام کند.

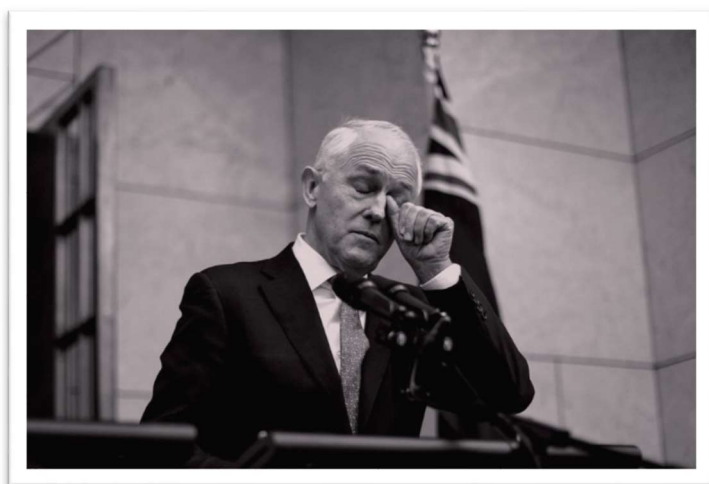
به نظر می‌رسید که سینکرا نه تنها با ترامپ دوست است بلکه با آجیت پای رئیس کمیسیون ارتباطات فدرال هم رابطه‌ای دوستانه دارد. بنا به نوشته‌ی وب‌سایت پولیتیکو، آجیت پای چند روز بعد از انتخابات در شرایطی که هنوز مشاور کمیسیون ارتباطات بود، در مهمانی مدیران سینکرا در هتل فور سیزنز بالتیمور شرکت کرد. پای بعد از آن که در

سال ۲۰۱۷ رئیس کمیسیون ارتباطات فدرال آمریکا شد خیلی سریع پیشنهاد سینکر برای خرید ایستگاه تریبون را به جریان انداخت و این محدودیت قانونی را برداشت که اجازه نمی‌داد یک کمپانی چندین ایستگاه تلویزیونی را مدیریت کند. درباره‌ی اینکه آجیت پای به نفع سینکر دربرونده دخالت کرده، به قدری سوءظن مطرح شد که بازرس کمیسیون فدرال ارتباطات تحقیق و تفحصی را درباره‌ی ارتباط اعضای کمیسیون با شرکت سینکر را آغاز کرد. اما در تابستان ۲۰۱۸ آقای پای رسماً معامله را متوقف کرد و گفت درباره‌ی این معامله ملاحظات جدی وجود دارد. مقام‌های سینکر می‌گویند از این اقدام پای «تکان خوردند». یک بار دیگر همه چیز به نفع مرداک پیش رفت. گزارش بازرس کمیسیون ارتباطات فدرال پای را از هرگونه عمل نادرست، چه به ضرر و چه به نفع سینکر، تبرئه کرد. هرچند سؤال‌هایی را هم درباره‌ی فاکس بی پاسخ گذاشت، مثلاً این که در گفت‌وگوهای بین آجیت پای و جرد کوشنر درست قبل از اعلام معامله با سینکر، چه گذشت. بازپرسان کمیسیون ارتباطات در گزارش نوشته‌اند از پای پرسیده شد آیا کسی از فاکس نیوز تلاش کرده است که روی احکام تأثیر بگذارد؟ پاسخ او منفی بود.

۱۶- «فکر می‌کنید ملکوم جان سالم به در می‌برد؟»

در میانه‌ی اوت ۲۰۱۸ لاکلان مرداک، با شلوار جین و تی شرت از جت شخصی گلف‌استریم جی ۵۵۰اش پیاده شد و سوار اتومبیل رنجور سیاهی شد که روی باند منتظرش بود. پاپاراتزی‌های استرالیایی هم مثل اغلب اوقاتی که لاکلان و پدرش به سیدنی می‌آمدند، آنجا منتظرش بودند. این بار پدر و پسر هر دو در شهر بودند. مرداک دو روز زودتر رسیده بود. آنها قرار بود در ضیافت شام و اهدای جایزه‌ی کمپانی شرکت کنند اما برنامه‌ی دیگری هم در سر داشتند.

لاکلان یک شب بعد از رسیدنش به سیدنی، گروه کوچکی از کارکنان اسکای و مدیرانش را به صرف نوشیدنی به عمارت ۱۶ میلیون دلاری‌اش در سیدنی دعوت کرد. اسکای با حضور مجریان دست‌راستی‌اش به نیروی مؤثری در سیاست استرالیا تبدیل شده بود. تعداد مخاطبان اسکای با مقیاس‌های آمریکایی، هنوز کم بود اما در پایتخت یعنی کانبرا یکی از شبکه‌های محبوب به شمار می‌رفت و در آن زمان معامله‌ای در حال به سرانجام رسیدن بود که دسترسی‌اش به نقاط دوردست استرالیا را افزایش می‌داد، جایی که در مقایسه با معیارهای طبقه‌بندی جمعیتی آمریکا، معادل پایگاه اجتماعی ترامپ بود.



ملکوم تورنبال، نخست وزیر پیشین استرالیا در سال ۲۰۱۸ - عکس از شان داوی/خبرگزاری فرانسه-گتی ایمجز

اسکای آیینه‌ای از فاکس نیوز بود با همان تأکیدها بر نژاد، هویت و نفی تغییرات آب و هوایی. هر شب مجریان و مهمانان اسکای آتش خشم را در مخاطبان برمی‌انگیختند. تمرکزشان بر سه چیز بود: آنچه که

«سوگیری رسانه‌های لیبرال» می‌خواندند، «خودکشی تمدن غربی با نقد خودش از درون»، و نسخه‌ی استرالیایی کاروان‌های پناهجویان در آمریکا.

پناهجویان بیشتر از اندونزی و مالزی و با قایق به استرالیا می‌آمدند و اغلب مسلمان بودند. چند روز پیش از رسیدن لاکلان به استرالیا بلیر کوتزل، یکی از رهبران نئونازی کشور، که اخیراً به علت «تحریک به اهانت مسلمانان» جریمه شده بود، در یکی از برنامه‌های تلویزیونی اسکای ظاهر شد. کوتزل قبلاً هم در تلویزیون استرالیا مصاحبه کرده بود اما حضور همراه با احترام او در شبکه‌ی اسکای به اعتراض سراسری انجامید. پرسش‌هایی غیرچالشی از او پرسیدند و او هم در این مصاحبه از هموطنانش خواست هویت سنتی استرالیایی را بازپس بگیرند و همانند مزرعه‌داران سفید آفریقای جنوبی، برای محدود کردن مهاجرت‌ها و محدود کردن حضور کسانی که «از نظر فرهنگی مشابه ما نیستند» فعالیت کنند. (اسکای از پخش این سخنان عذرخواهی کرد و هم حضور کوتزل در برنامه‌های اسکای ممنوع شد و هم پخش این تاک شو متوقف.)

در اتاق نشیمن خانه‌ی لاکلان گفت‌وگو به سمت سیاست‌های داخلی چرخید: لاکلان از کارکنانش پرسید «فکر می‌کنید که ملکوم جان سالم به در می‌برد؟» منظور او، ملکوم تورنبال نخست‌وزیر نسبتاً میانه‌رو استرالیا بود که چند سال قبل نخست وزیر شده بود. یک گروه دست‌راستی نوظهور در درون حکومت، در بوق مخالفت با برنامه‌های نخست وزیر برای پیوستن به توافق پاریس بر سر تغییرات اقلیمی می‌دمیدند. کسانی که برای خانواده‌ی مرداک کار می‌کردند، می‌دانستند که این خانواده به ندرت دستور مستقیم صادر می‌کنند. آنها خواسته‌هایشان را به صورت غیرمستقیم مطرح می‌کنند، گاهی با یک توئیت، مثل توئیت مرداک در بهار سال ۲۰۱۶ در اعلام حمایت از ترامپ، و گاهی هم با سؤال و باریک‌بینی منظورشان را بیان می‌کنند،

یعنی با ظرافتی که به ندرت از چشم مدیران خبری هم‌فکرشان دور می‌ماند.

در روزهای بعد مجریان برنامه‌های اسکای استرالیا و روزنامه‌های مرداک تلاش برای سرنگون کردن تورنبال از نخست‌وزیری را آغاز کردند. البته سردبیران روزنامه هم در مهمانی جداگانه‌ای به صرف نوشیدنی به عمارت لاکلان دعوت شده بودند. آلین جونز، مجری اسکای و ستاره‌ی محافظه‌کار رادیو، خواهان شورش حزب علیه برنامه‌های نخست‌وزیر شد. چند روز بعد روزنامه‌ی «دیلی تلگراف»، روزنامه‌ی اصلی سیدنی، خبر فوری زد که بر سر رهبری حزب در این حزب چالش و جدال درگرفته است. اندرو بولت، یادداشت‌نویس مرداک، که یک بار به خاطر نقض مقررات ضدنژادپرستانه محکوم شده بود، با خوشحالی به بینندگان اسکای گفت اعتبار و قدرت نخست‌وزیر از دست رفته است. پتا کردلین، تحلیل‌گری که رئیس دفتر پیشین تونی ابوت بود، بر سر تنش در دولت تورنبال، در مصاحبه‌ای با یک عضو پارلمان جدل کرد. روزنامه‌ی «آسترلین» که روزنامه‌ی ملی مرداک بود، خیلی زود تورنبال را «مرده‌ی متحرک» خواند.

خبر حرف‌های لاکلان در جمع کارکنانش به گوش تورنبال رسید. او می‌دانست که در برنامه‌ی «افتر دارک» اسکای هر شب بیش از پیش از او انتقاد می‌شود. چند ماه پیش از آن یکی از دستیارانش یک ویدئو مونتاژ شده را به او نشان داد که از این شبکه پخش شده بود و رهبری او را زیر سؤال می‌برد. تورنبال از دستیارش پرسیده بود: «این برنامه‌ی همیشگی‌شان است؟» او حالا باور کرده بود که این پوشش شدید و سرسختانه بخشی از یک کارزار برنامه‌ریزی شده است. متنی که در اختیار ما گذاشته شده نشان می‌دهد یکی از دستیاران ارشد نخست‌وزیر با مدیران روزنامه‌ی «آسترلین» مرداک وارد جدال شده است. در این متن آمده است که اردوگاه تورنبال می‌داند که لاکلان در مهمانی سه شنبه شبش روشن کرده است که می‌خواهد ملکوم تورنبال کنار برود.

به گفته‌ی سه نفر از مقام‌های پیشین دولت تورنبال، او شنیده بود که روپرت مرداک از او دلخور است چون از وقتی به استرالیا آمده نخست وزیر برای ملاقاتش تلاشی نکرده است. رئیس دفتر تورنبال که قبلاً تلاش کرده بود جلسه‌ی مشترکی با مرداک و تورنبال ترتیب بدهد حالا تلاشش را چند برابر کرد و قرار یک گفت‌وگوی تلفنی گذاشته شد و تورنبال از مرداک خواست از این کار دست بردارد. مرداک گفت «بگذار بررسی کنم. بگذار با لاکلان صحبت کنم. من بازنشسته شده‌ام. با لاکلان صحبت خواهم کرد.» (سخنگوی مرداک رنجیدگی او از تورنبال را تکذیب کرده است.)

دو روز بعد، رقبای دست‌راستی تورنبال در یک رأی‌گیری درون‌حزبی، با رأی قاطع او را برکنار کردند. اتفاق که در سیاست استرالیا «سقوط» او تعبیر شد. پوشش ویژه و پی‌وقفه‌ی اسکای از این نمایش سیاسی بیشترین میزان بیننده را در تاریخ این شبکه ثبت کرد. (مرداک‌ها نقش‌شان را در اخراج تورنبال تکذیب کرده‌اند.)

در مورد خانواده‌ی مرداک جدا کردن مسائل شخصی از مسائل مالی و ایدئولوژیک همیشه دشوار بوده است. این موضوع را می‌توان در برخوردشان در قضیه‌ی تورنبال به وضوح دید. اول این که تورنبال چند سال پیشتر با کنار زدن تونی ابوت، دوست لاکلان، به نخست‌وزیری رسیده بود و این ابوت بود که رهبری موج سیاسی برای برکناری تورنبال را در دست داشت. سیاست‌های تورنبال با منافع مرداک مطابقت نداشت. برای مثال، او به اجرای پروژه‌ی شبکه‌ی ملی پهنای باند کشور سرعت داد. شبکه‌ای که به نتفلیکس امکان دسترسی بدون محدودیت به خانه‌های استرالیایی‌ها می‌داد و کسب و کار خانوادگی پرسود مرداک در تلویزیون‌های کابلی را تهدید می‌کرد.

تعداد کمی از رسانه‌های استرالیا که از قضا مرداک صاحبشان نبود برکناری تورنبال را کودتایی به رهبری مرداک خواندند. کوین راد یکی از نخست وزیران پیشین استرالیا که چند سال پیش همین خانواده در

برکناری‌اش از نخست وزیری دست داشتند، در روزنامه‌ی «سیدنی مورنینگ هرالده» نوشت که مرداک بزرگ‌ترین سرطان دموکراسی استرالیا است.

اسکات موریسون، یک سیاستمدار دست‌راستی ملی‌گرا، جانشین تورنبال شد و خیلی زود خودش را با سیاست‌های ترامپ هماهنگ کرد. ترامپ و موریسون برای اولین بار در اواخر سال ۲۰۱۸ و در نشست جی ۲۰ در بوئنوس آیرس ملاقات کردند. ترامپ بعد از این دیدار گفت: «فکر می‌کنم که رابطه‌ی بسیار خوبی خواهیم داشت.» زمان انتخابات سراسری استرالیا مه ۲۰۱۹ اعلام شد. موریسون خیلی زود مبارزه با گسترش مهاجرت را برگ برنده‌ی حزبش در انتخابات شمرد و وعده داد که برای مقابله با آن موضعی قاطعانه اتخاذ خواهد کرد. این رویکرد با برنامه‌های ساعت‌های پریننده‌ی تلویزیون اسکای هم‌هنگ بود.

اندرو بولت که پیش از این درباره‌ی هجوم خارجی‌ها هشدار داده بود، در یکی از برنامه‌هایش با نمایش تصاویری از آینده‌ی احتمالی استرالیا با حضور صف‌های مسلمانان روبه‌قبله در خیابان‌های شهر، گفت «ما با خطر جدی قومی و مذهبی و حتی تروریسم مواجه‌ایم.»

وقتی حزب کارگر توانست با کمک قانون امکان انتقال چند مهاجر بیمار را از اردوگاه‌های جزایر نائورو و مانوس به بیمارستان‌های استرالیا فراهم کند، مجریان برنامه‌های پریننده‌ی اسکای حمله را شروع کردند.

۱۷- «نه من شرمنده نیستم»

سرانجام، نسل سوم مرداک‌ها کنترل امور را در دست گرفتند. قرارداد دیزنی هنوز در انتظار تأیید در چند کشور بود. فعالیت‌های دو شرکت در چند کشور از جمله چین، مکزیک، برزیل و چند جای دیگر همپوشانی داشت اما لاکلان به عنوان رئیس و مدیرعامل فاکس جدید کارش را شروع کرده بود. امپراتوری حالا بسیار کوچک‌تر بود اما دست‌کم از لحاظ سیاسی چیزی از قدرتش کم نشده و هدفش روشن

بود. لاکلان معمولاً از مصاحبه پرهیز می‌کند اما حالا که مالک کسب و کار خانوادگی شده بود خوب بود که دست کم یک بار در ملاء عام ظاهر شود. او کنفرانس دیل‌بوک را که از سوی «نیویورک تایمز» حمایت می‌شد انتخاب کرد تا درباره‌ی رهبری کمپانی‌های بزرگ صحبت کند. اول نوامبر، کمتر از سه ماه بعد از کودتا در استرالیا، لاکلان در مرکز تایم وارنر در منهتن روی صحنه رفت. بدون کراوات، با پیراهنی سفید، کت سورمه‌ای و نیم‌چکمه‌های سیاه گران‌قیمت.



لاکلان مرداک در کنفرانس «نیویورک تایمز» در نوامبر ۲۰۱۸
مایکل کوهن/گتی‌ایمجز

او در سخنانی متواضعانه درباره‌ی قرارداد دیزنی به اندرو راس سورکین از «نیویورک تایمز» گفت «ما خیلی زود متوجه شدیم که این توافق بسیار مهم است.» سورکین از مرداک پرسید آیا از این که امپراتوری آینده‌اش از هم پاشیده دلخور نیست؟ لاکلان جواب داد: «اولویت با منافع سهام‌داران است.» در بخش پرسش و پاسخ در جواب به انتقادی که برنامه‌های فاکس نیوز را تنگ‌نظرانه توصیف کرده بود

گفت: «نه، اصلاً از کاری که می‌کنند شرمند نیستم.» منظورش مجریان برنامه‌های پرتطرفدار بود. «صادقانه بگویم حس می‌کنم که باید در این کشور رواداری بیشتری داشته باشیم.»

در روزهای منتهی به کنفرانس، بعضی از مجریان فاکس نیوز و مهمانان‌شان به استقبال متعصبان جنبش دست‌راستی سفیدها رفتند. چند روز قبل از حمله‌های یهودی‌ستیزانه به کنیسه‌ی پیتسبورگ که در آن ۱۱ نمازگزار یهودی کشته شدند، یکی از مهمانان برنامه‌ی لو دایز گفته بود کاروانی از مهاجران که از هندوراس به سمت مرزهای آمریکا در حرکت است از طرف وزارت خارجه‌ی تحت اشغال جورج سوروس تأمین مالی می‌شود. (بعداً شبکه به خاطر این حرف عذرخواهی کرد.)

کسی که به نمازگزاران یهودی شلیک کرده بود در یکی از نوشته‌هایش در شبکه‌های اجتماعی ادعا کرده بود که یهودی‌ها کاروان مهاجران را به آمریکا روانه کرده‌اند. از تاکر کارلسون به خاطر حملاتش به مهاجران به شدت انتقاد شد چون در برنامه‌اش گفته بود «به ما می‌گویند مسئولیت اخلاقی‌مان این است که فقرای جهان را بپذیریم حتی اگر این کار کشورمان را فقیرتر، کثیف‌تر و از هم جدا افتاده‌تر کند.» دو نفر که در جریان این اتفاق بوده‌اند تأیید کرده‌اند که تاکر کارلسون بعد از این برنامه، یک پیامک شخصی از لاکلان در حمایت از نظراتش دریافت کرد.

فاصله‌ی بین فاکس نیوز و کاخ سفید ترامپ بیش از پیش کم می‌شد. در تابستان ۲۰۱۸ ترامپ به اصرار هنتی، بیل شاین را که از فاکس نیوز کنار گذاشته شده بود، به عنوان جانشین رئیس دفتر ارتباطاتش منصوب کرد و این طلیعه‌ی دوران تازه‌ای از دشمنی میان کاخ سفید و رسانه‌های جریان اصلی بود. شاین در ژوئیه ۲۰۱۸ و در اولین روزهای ورودش به واشنگتن از اتاق فرمان فاکس نیوز خواست که زیرنویس ناخوشایند یکی از برنامه‌ها درباره‌ی ایوانکا ترامپ را تغییر دهند. بنا به تأیید یک منبع در فاکس نیوز این درخواست شاین رد شد.

همچنین بعد از این که کاتلین کالیز، گزارشگر سی‌ان‌ان، چند بار از ترامپ درباره‌ی وکیلش، مایکل کوهن و رئیس جمهوری روسیه، ولادیمیر پوتین سؤال پرسید، نگذاشت کالیز وارد یکی از مراسم کاخ سفید شود.

لاکلان، برخلاف پدرش رابطه‌ی درازمدتی با ترامپ نداشت اما هاپ هایکز یکی از مدیران پیشین ارتباطات کاخ سفید را به عنوان رئیس ارشد ارتباطات فاکس نیوز استخدام کرد. هایکز فقط ۲۹ سال داشت اما یکی از اعضای ویژه‌ی حلقه‌ی درونی ترامپ بود که دولت را به خوبی و خوشی ترک کرده بود و هنوز با خانواده‌ی ترامپ و دیگران در کاخ سفید ارتباط نزدیکی داشت. (کوشنر به صورت خصوصی گفته است که او هاپ هایکز را به مرداک معرفی کرده است.)

اولین ابتکار لاکلان، راه‌اندازی یک سرویس پخش زنده‌ی ویدئوهای درخواستی به نام فاکس نیشن بود که پاییز برای علاقه‌مندان دوآتشه‌ی فاکس ایجاد شد. قرار بود که این سرویس تریپونی برای نسل جدیدی از ستاره‌های فاکس و بینندگانشان باشد. یکی از شخصیت‌های برجسته‌ی این تریبون تامی لارن یک زن ۲۶ ساله‌ی تازه فارغ‌التحصیل از دانشگاه نوادا در لاس وگاس بود که با طعنه‌ها و کنایه‌های تند و تیزش تعداد زیادی فالوئر در شبکه‌های اجتماعی پیدا کرده بود. او جنبش «جان سیاهان مهم است» را نوعی «کوکلوس کلان» جدید می‌دانست و پناهندگان را «تجاوزکنندگان» می‌خواند. قرار بود که برنامه‌های او زنده و اینترنتی پخش شود و می‌توانست جایگزین مناسبی برای برنامه‌های خبری روزانه‌ی شبکه باشد.

چون برنامه فاکس نیشن روی اینترنت پخش می‌شد، درباره‌ی محتوای آن به نسبت برنامه‌های شبانه این شبکه، محدودیت کمتری اعمال می‌شد. در کنار برنامه‌های سنگین سیاسی، برنامه‌های سبک‌تری مثل آشپزی با استیو دوسی، مجری فاکس اند فرندز، و برنامه‌ی مستندی مثل دیپ دایوز هم پخش می‌شد که در این برنامه از جمله مستندی

درباره‌ی مجری سابق سی‌پی‌اس با عنوان «چشم سیاه: دن رادر و تولد اخبار جعلی» پخش شد.

راجر ایلس پیشتر یک بار شان هنیتی را از اجرای یک برنامه در فاکس نیوز برای جمع‌آوری کمک مالی برای تی پارٹی منع کرده بود. وقتی در جریان آخرین گردهمایی هواداران ترامپ پیش از انتخابات ماه نوامبر، شان هنتی و جنین پایرو، یک مجری دیگر فاکس، روی صحنه به ترامپ پیوستند، این نظر ایلس که شبکه باید از سیاستمداران متحدش کمی فاصله بگیرد ایده‌ی منسوخی به نظر می‌رسید.

هنیتی در این برنامه با جمعیت شوخی کرد. به سوی گزارشگرهایی که در بخش رسانه‌ها نشسته بودند اشاره کرد و آنها را «اخبار جعلی» خواند و دستاوردهای ترامپ را ستایش کرد. بعد از آن که او از سوی مدیریت فاکس نیوز به خاطر مشارکت در این گردهمایی سرزنش مختصری شنید، نظراتش را برای رسانه‌ها شفاف‌تر کرد و گفت منظورش از «اخبار جعلی» فاکس نبوده بلکه بقیه‌ی رسانه‌ها بوده است.

گاهی به نظر می‌رسید که فاکس نیوز، سیاست‌های موردنظرش را به رئیس‌جمهور دیکته می‌کند یا دست‌کم به سیاست‌های کاخ سفید خط می‌دهد.

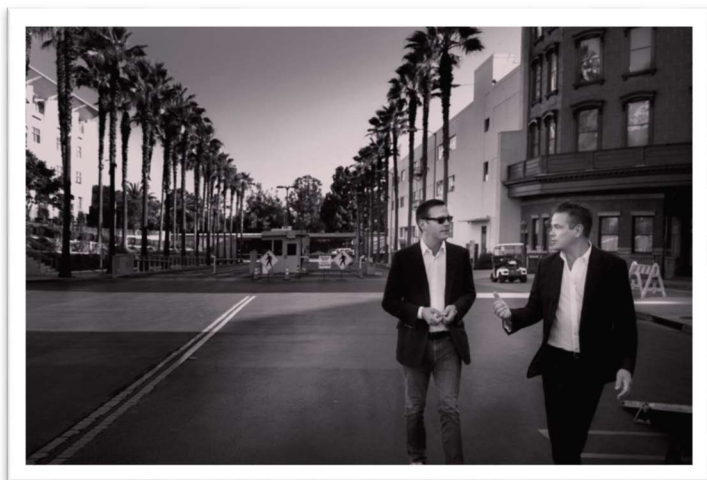
در اواخر سال ۲۰۱۸ ترامپ در آستانه‌ی امضای قانون بودجه با دموکرات‌هایی بود که تازه قدرت را در کنگره به دست گرفته بودند. تا این که مجری‌های این شبکه شروع به تمسخرش کردند و از او خواستند لایحه‌ی بودجه‌ای را که در آن پنج میلیارد دلار برای ساخت دیوار مرزی پیش‌بینی نشده باشد، امضاء نکند. پیت هگسه، یکی از مجریان فاکس اند فرندز، به ترامپ توصیه کرد که به حرف مشاورانش گوش ندهد. ترامپ به حرف هگسه گوش داد و دولت فدرال را تعطیل کرد. این اوج کارزاری تلویزیونی بود که از چند ماه پیشتر شروع شده بود و مانند فلج شدن حکومت بریتانیا بعد از برگزیت و شورش در استرالیا علیه

نخست وزیر، میراث خانواده‌ای بود که حالا خودش داشت در بحران فرومی‌رفت.

۱۸- «من نمی‌توانم بروم»

جیمز که در تمام دوران زندگی بزرگسالی‌اش تلاش کرده بود ثابت کند که لیاقت اداره‌ی امپراتوری مرداک را دارد، بالاخره پا پس کشید و رابطه‌اش را با امپراتوری خانوادگی قطع کرد. او در اواخر سال ۲۰۱۸ از کمپانی بیرون زد و دفتر خانوادگی خودش را در ساختمانی در گرینیچ ویلیج به راه انداخت تا هم ثروتش را مدیریت کند و هم در کسب‌وکارهای نوظهور اینترنتی سرمایه‌گذاری کند. از آن زمان تا به حال او به ندرت با برادرش صحبت کرده است. جیمز همیشه این حقیقت را پذیرفته بود که ثروت خانوادگی‌شان محصولی درهم‌تنیده از سیاست و تجارت است. حتی تلاش کرده بود که نسخه‌ی خاص خودش را در لندن اجرا کند، هرچند موفقیت‌آمیز نبود. جیمز بیش از دو دهه به خاطر این که خودش را به پدرش ثابت کند و البته به خاطر احساس مسئولیت در برابر خانواده، با کمپانی مانده بود. او در جریان رسوایی هک تلفن‌ها به دوستانش گفته بود «من نمی‌توانم کمپانی را ترک کنم. به اینجا آورده شده‌ام که این کار را به سرانجام برسانم.»

این دل‌بستگی تنها عاطفی نبود: ثروتش در هولدینگ خانوادگی گرفتار بود. اما در نهایت پدرش لاکلان را برگزید و امپراتوری‌ای که جیمز مدت‌ها منتظر اداره‌اش بود، از هم پاشید. لاکلان مسابقه‌ی حیاتی را برده بود و جانشین پدر شده بود اما واقعاً چه چیزی نصیبش شده بود؟ جیمز یک بار در جمع دوستانش گفت شرکت تازه‌ی برادرش، پروژه‌ای سیاسی برای آمریکا است.



جیمز و لاکلان مرداک در استودیوهای فاکس در لس آنجلس در ۲۰۱۳
عکس از آستین هارگراو/آگوست

حتی همین حالا هم جیمز نمی‌تواند کاملاً از کمپانی فاصله بگیرد. هنوز بخش بزرگی از سهم رأیش را نگه داشته و تا وقتی که چنین باشد ثروتش به این «پروژه‌ی سیاسی آمریکایی» گره خورده است. جیمز نمی‌تواند پولش را در جیبش بگذارد و برود چون مرداک ترتیبی داده است که هیچ کدام از فرزندان نمی‌توانند سهم رأی‌شان را به فردی خارج از مجموعه‌ی خانواده بفروشند. از طرف دیگر، رأی جیمز در کمپانی تأثیری ندارد چون پدرشان چهار رأی برای خودش نگه داشته است و کنترل نیمی از سهام تراست خانوادگی در دستانش است. جیمز تنها یک راه حل می‌شناسد. این که سهمش را به لاکلان و پدرش بفروشد و احتمالاً خواهرش هم به او بپیوندد. آنچه روزی نظام سلطنتی پیچیده‌ای بود حالا به یک خاندان موروثی ساده تبدیل شده است. الیزابت و پرودنس، مشتاقانه با ایده‌ی جیمز موافقت کردند. مرداک هم به این دلیل با این ایده موافق بود که آن را فرصتی می‌دید که کمپانی

را از انتقادهای خانوادگی نجات می‌داد. مرداک به پسرش لاکلان اصرار کرد که سهام را بخرد تا پدر و پسر با هم صاحب کمپانی شوند. در اواخر سال ۲۰۱۸ مدارک آماده شد. لاکلان حالا می‌توانست صاحب کل کمپانی شود اما از امضای مدارک خودداری کرد. (سخنگوی لاکلان می‌گوید خرید سهام خواهر و برادرش از نظر مالی برای لاکلان ممکن نبود.) مرداک برد یا باخت؟ او از یک طرف به هر چه می‌خواست رسید: همهی فرزندان را میلیاردر کرد، بخش عمده‌ی سهام کمپانی را برای خودش نگه داشت و کنترل آن را به پسر محبوبش سپرد. در سال ۲۰۱۶ همه از جمله مرداک فکر می‌کردند که هیلاری کلینتون برنده‌ی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا خواهد شد اما مرداک روی یک نامزد دیگر - و همین طور قدرت نوعی نیروی متعادل‌کننده‌ی تاریخی - شرط بسته بود و در نهایت قدرت، پول و دسترسی را از آن خود کرد. با وجود این، این شرط‌بندی، خانواده و کمپانی‌اش را از هم پاشید. حالا آنچه باقی مانده است یک امپراتوری رسانه‌ای گسترده است که همهی جاه‌طلبی‌هایش را حفظ کرده و همزمان یک اسلحه‌ی سیاسی است.

جیمز و کترین می‌خواستند بخشی از ثروتشان را به خنثی کردن این اسلحه اختصاص دهند. در اوایل سال ۲۰۱۹ بنیاد آنها موسوم به «کوادری ویوم» فعالیت‌هایی را با هدف دفاع از کشورهای دموکراتیک در مقابل تهدید فزاینده‌ی پوپولیسم لیبرال و در عین حال تقویت حق رأی مردم اختصاص داد.

قرار بود که قرارداد دیزنی در بهار ۲۰۱۹ بسته شود. در آخرین ماه‌هایی که خانواده هنوز صاحب فاکس قرن بیست و یکم بود، برای آخرین بار در جشن‌های مربوط به اسکار شرکت کردند. مدت‌های مدید سنت سالانه‌ی مرداک برگزاری چند مهمانی با حضور ستاره‌های سینما در حاشیه‌ی مراسم بود. در جریان مراسم شام مجله‌ی «وِنیتی فیر» در اسکار ۲۰۱۹ حادثه‌ای کوچک و به یادماندنی رخ داد. به تعبیری تنش ایدئولوژیکی بود که مرداک‌ها و جهان را به دو قسمت تقسیم کرده بود.

و به تعبیری دیگر، تنها نوعی کشمکش خانوادگی بود. وقتی پای مرداک‌ها در میان است اصلاً چه فرقی می‌کند. در ضیافت شام ونیتی فیر، کاترین، همسر جیمز، کنار جان لاوت از نویسندگان سخنرانی‌های باراک اوباما و هیلاری کلینتون نشسته بود که مجری یک پادکست به شدت ضدترامپ به اسم «پاد سیو امریکا» است. لاوت از این که سر این میز نشاندۀ شده بود خوشحال نبود اما او و کاترین سر صحبت را باز کردند و خیلی زود مشخص شد که کاترین سیاست‌های تجاری خانوادۀ مرداک را قبول ندارد. بخواهی نخواهی صحبت به فاکس نیوز و مضرات این شبکه کشید. کاترین پیشنهاد کرد که لاوت را به برادر شوهرش که مدیرعامل شبکه است و سر میز کناری نشسته معرفی کند.

لاوت ابتدا مقاومت کرد و گفت که «نه لازم نیست با چنین آدمی حرف بزنم. این گفت‌وگو نتیجه‌ی مطلوبی برای کسی ندارد» اما کمی بعد کاترین آن دو تا را به هم نزدیک کرد. لاوت از لاکلان پرسید به این چیزهایی که فاکس نیوز بین ساعت هشت تا یازده شب پخش می‌کند افتخار می‌کنید؟ فکر می‌کنید که اینها برای دنیا مفید است؟ لاکلان جواب داد: «بله، فکر می‌کنم آنها کار بی نظیری انجام می‌دهند.» حالا نوبت لاکلان بود که پرسد: «هیچ صدای محافظه‌کاری هست که در فاکس نیوز بپذیرید؟» پیش از این که لاوت جواب بدهد کاترین مداخله کرد و نام عده‌ای از جمهوری‌خواهان مخالف ترامپ را آورد. لاکلان در واکنش رویش را برگرداند و با گروه دیگری سر صحبت را باز کرد.

۱۹- به نظرم بهتر از این نمی‌شود

صبح نهم مارس ۲۰۱۹ از بخش تازه‌ی کمپانی فاکس در بازار عمومی رونمایی شد. لاکلان رئیس و مدیرعامل و مرداک پدر هم رئیس مشترک هیئت مدیره شد. نام شرکت فاکس کورپوریشن بود.

به گزارش سایت اد ایچ، یک هفته پیش از اعلام این تغییرات، فاکس نیوز با پخش یک آگهی تجاری برای آژانس‌های تبلیغاتی تلاش کرد به

مشتری‌های چموش تبلیغات نشان بدهد که این شبکه، برند مطمئنی برای محصولاتشان است. این آگهی شامل مصاحبه‌های ضبط شده با بینندگان فاکس بود که می‌گفتند خبرهای فاکس نیوز دقیق و منصفانه است. همین طور میزگردی با حضور شخصیت‌های فاکس که می‌گفتند نسبت به موقعیت شرکت و موقعیت کشور خوش‌بین هستند. لارا اینگرام در این برنامه می‌گفت: «این بهترین زمان ممکن برای آمریکایی بودن است. آنقدر خوب است که بهتر از این ممکن نیست.»



رئیس جمهور ترامپ در گردهمایی سیاسی پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای
به استقبال شان هنیچی مجری فاکس نیوز می‌رود.
عکس: جیم واتسون خبرگزاری فرانسه-گتی ایمجز

در تاریخ ۲۲ ساله‌ی این شبکه، تأثیر فاکس نیوز هرگز تا به این حد آشکار بیان نشده است. تحقیق مؤسسه‌ی دموکرات نوپگیشن نشان می‌دهد که تنها ۱۲ درصد از بینندگان فاکس نیوز عقیده دارند که علت تغییرات اقلیمی، فعالیت‌های انسان است، در حالی که این رقم بین کل آمریکایی‌ها ۶۲ درصد است. ۷۸ درصد از بینندگان فاکس اعتقاد دارند

که ترامپ بیش از هر رئیس جمهوری در تاریخ کشور دستاورد داشته است، در حالی که ۱۷ درصد بقیه‌ی آمریکایی‌ها با آنها موافق‌اند. در مورد تأثیر جهانی مرداک هم می‌توان همین را گفت. بحران ناشی از برگزیت همچنان مسبب نگرانی‌های زیادی در بریتانیاست. هر دو پیشنهاد ترزا می‌برای خروج بریتانیا از اتحادیه‌ی اروپا از طرف پارلمان رد شد. احتمال این که بریتانیا بدون هیچ توافق از اتحادیه خارج شود زیاد است. اتفاقی که می‌تواند فروپاشی اقتصادی بزرگی در پی داشته باشد.

در اواخر مارس ۲۰۱۹ بیش از یک میلیون معترض به خیابان‌های لندن ریختند و خواهان برگزاری دومین همه‌پرسی برگزیت شدند. در حالی که موضوع ادامه‌ی رهبری ترزا می‌بر حزب مسئله‌ی هم‌حزبی‌های اوست. از مایکل گاو، یادداشت‌نویس سابق مرداک ادیتور و یکی از دوستان مرداک که اکنون عضو پارلمان است، به عنوان یکی از نامزدهای احتمالی جایگزینی می‌نام می‌برند. هزاران مایل آن سوتر یکی از پیامدهای موج قوم‌نژادگرایی جهانی، التهابی که امپراتوری مرداک به جان‌ها انداخت، در نیوزیلند آشکار شد. جایی که برنتون تارانت، یک ملی‌گرای سفیدپوست استرالیایی، به کشتن ۵۰ نمازگزار در دو مسجد شهر کرایست چرچ در چهاردهم مارس متهم شده است.

هیچ ارتباط مستقیمی بین تارانت و شبکه‌ی اسکای استرالیا وجود نداشت اما منتقدان این شبکه خیلی زود توجه مردم را به لفاظی‌هایی جلب کردند که در این شبکه یک‌سره علیه مسلمانان پخش می‌شد. شبکه‌ی ای‌بی‌سی استرالیا یکی از نوشته‌های تارانت در شبکه‌های اجتماعی را از زیر خاک بیرون کشید که در آن انتخاب ترامپ را «یکی از مهم‌ترین اتفاقات تاریخ مدرن» دانسته بود. تارانت همچنین هوادار بلیر کوترل، افراط‌گرای ملی‌گرای بود که حضورش در اسکای استرالیا در تابستان سبب شد که امریکن اکسپرس پخش آگهی‌هایش را از این شبکه متوقف کند. پس از این کشتار در نیوزیلند، یک کارمند جوان

مسلمان اسکای نیوز استعفا داد و برای ای بی سی نوشت: «در چند سال گذشته من نقش کوچکی در شبکه‌ای داشتم که می‌دانم صدایش به نظرات افراطی در حاشیه‌ی جامعه مشروعیت می‌بخشد.» در ایالات متحده رسانه‌های باقی‌مانده از امپراتوری مرداک، برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ آماده می‌شوند.

یکی از نخستین گام‌ها هدایت کردن «نیویورک پست» در مسیر فاکس نیوز است. مدت‌ها اولین چیزی که ترامپ هر روز می‌خواند «نیویورک پست» بود و هر روز نسخه‌هایی از آن به کاخ سفید فرستاده می‌شد. البته همه‌ی محتوایش مورد علاقه‌ی ترامپ نبود. در ژانویه‌ی ۲۰۱۹ مرداک یکی از سردبیران پیشین روزنامه یعنی کول آلن را به «نیویورک پست» آورد تا در مدیریتش کمک کند. کول آلن یکی از هم‌بازی‌های قدیمی ترامپ در زمین گلف بود. آلن کارش را با روزنامه‌های نیم‌قطع مصور استرالیا شروع کرد و به «سگ‌هار روپرت» معروف بود. جسی آنگلو، ناشر «نیویورک پست» و دوست دیرینه‌ی جیمز، پس از شنیدن این خبر استعفا کرد.

مجریان فاکس نیوز گزارش رابرت مولر را که اواخر مارس منتشر شد، پایان تلاش دو ساله برای کنار زدن ترامپ و شروع کارزار انتخابات دوباره‌ی او ارزیابی کردند. در حالی که نتیجه‌ی این گزارش، اعلام جرم علیه ۳۴ نفر، مجرم شناخته شدن و محکومیت پنج نفر از همکاران تجاری یا مقام‌های پیشین کارزار انتخاباتی ترامپ و تعداد زیادی تحقیق و تفحص در سطح ایالتی، فدرال و کنگره بوده است.

تصمیم مولر برای مطرح نکردن اتهام علیه شخص دونالد ترامپ از نظر مجریان برنامه‌های پربیننده‌ی فاکس نیوز، اثبات بی‌گناهی او بود، بی‌گناهی‌ای که مدت‌ها در برنامه‌هایشان بر آن اصرار داشتند. آنها مدت‌ها بود که می‌گفتند تحقیق و تفحص، کودتای حزب دموکرات است که همراه با گزارشگران رسانه‌های جریان اصلی به مردم اطلاعات اشتباه می‌دادند. مجری‌های فاکس نیوز و مهمانان‌شان می‌گفتند دموکرات‌ها و

متحدان رسانه‌ای‌شان این بار در سرنگون کردن ترامپ شکست خوردند اما در ماه‌های آینده تلاش‌هایشان با شدت بیشتری ادامه پیدا خواهد کرد. راش لیمبو، از پیش‌کسوتان رادیوهای دست‌راستی، در برنامه‌ی شان هنییتی گفت: «آنها باید در پست‌ترین منجلاب سیاسی غوطه بخورند و اقلیت بودن‌شان اثبات شود.» کارزار انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا و عصر جدید دودمان مرداک تازه شروع شده است.



GDJLOTNFGTERVPIRGLPRUWQHFDUTVXBJRCNBZ
WQHFDUTVXBJRCNBZARVPIRGLPRUWQHFDUALO
NFGTERVPIRGLPRUWQHFDERVPIRGLPRUWQHFD
XBJRCNBZARVPIRGLPRUWQHFXBJRCNBZARVPIR
GLPRUWQHFXBJRCNBZARVPIRGLPRUWQHFO
TNFGTERVPIRGLPRUWQHFDUTVXOTNFGTERVPIRGLP
RUWQHFDUTVXZARVPIRGLPRUWQHFO
TNFZARVPIRGLPRUWQHFO
TNFNBZARVPIRGLPRUWQHFXBJR
CNBZARVPIRTERVPIRGLPRUWQHFDUTVXOTNFGT
ERVPIRGLPRUWQHFDUTVXZARVPIRGLPRUWQH
FO
TNFZARVPIRGLPRUWQHFO
TNFNBZARVPIRGLPRU
WQHFXBJRCNBZARVPIR
JLOTNFGTERVPIRGLPRU
WQHFDUTVXBJRCNBZRGLPRUWQHFDUTVXOTNFG